



انقلاب ۱۶۸۸ و همهٔ مسائل مربوط به آن:

حقوق مالکیت، انقلاب شکوهمند و ظهور نظام سرمایه‌داری بریتانیا

نویسنده:

جفری ام هاجسن^۱

مترجمان:

فرشاد مؤمنی^۲

حامد نصیری^۳

چکیده

نورث^۴ و وینگست^۵ در مقالهٔ مهم خود (۱۹۸۹) مطرح می‌کنند که انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸، با وادارکردن پادشاه به پاسخگو بودن در برابر مجلس، به حفظ حقوق مالکیت کمک کرد و محرک ظهور سرمایه‌داری شد. به صورت مشابهی، عجم‌اوغلو^۶ و جانسون^۷ و رابینسون^۸ (2005 a; 2005 b) بعدها نوشتند که در انگلستان قرون وسطی، حق مالکیت برای صاحبان زمین و تجار و صنعت‌کاران اولیه وجود نداشت و اصلاح و احیای حقوق مالکیت، در قرن هفدهم، فرایند توسعهٔ مالی و بازرگانی را تسریع کرد. در اینجا چند مسئله وجود دارد. نخست آنکه، از قرن سیزدهم، حقوق مالکیت در انگلستان امنیتی نسبی داشت، اما مشکل اصلی توسعه امنیت حقوقی نبود، بلکه طبیعت فئودالی^۹ آن‌ها بود که «وراثت انحصاری»^{۱۰} و «واگذاری اجباری»^{۱۱} مستمر را شامل می‌شد. از طرف دیگر، وقایع ۱۶۸۸ هیچ تأثیر مستقیم و آشکاری بر حقوق مالکیت نداشت. با در نظر گرفتن این انتقادات، چه تغییراتی موجب تقویت نظام سرمایه‌داری شد؟ یک احتمال، وقوع انقلاب‌های مالی و اداری پس از ۱۶۸۸ بود که با افزایش لزوم جنگ و گسترش نقش جهانی بریتانیا شدت یافت. نظام مالی جدید، با هدایت مجلس قدرتمندتر، اصلاحاتی در زمینهٔ حقوق مالکیت ارضی، افزایش مالکیت قابل وثیقه‌گذاری و بدهی‌های فروشی انجام داد که نتیجهٔ آن، وقوع انقلاب صنعتی بود.

واژگان کلیدی: امنیت حقوق مالکیت، تأمین مالی دولت، انقلاب شکوهمند، مجلس قدرتمند، انقلاب صنعتی.

۱. Geoffrey M. Hodgson: برای مطالعهٔ مقاله به زبان اصلی، به آدرس زیر مراجعه کنید - م.

Hodgson, G. (2017). 1688 and all that: Property rights, the Glorious Revolution and the rise of British capitalism. *Journal of Institutional Economics*, 13(1), 79-107.

۲. عضو هیئت علمی گروه برنامه‌ریزی و توسعهٔ اقتصادی دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

۳. دانشجوی دکتری مدیریت فناوری دانشگاه علامه طباطبائی؛ hamednasirri89@gmail.com

4. North

5. Weingast

6. Acemoglu

7. Johnson

8. Robinson

9. Feudal nature

۱۰. در قانون عرفی انگلیس، «Entail» یا «Fee Tail» به شکلی از امنیت حقوقی، مبتنی بر توافق یا سند، گفته می‌شود که براساس آن، فروش و به‌ارث‌رسیدن یک ملک محدود و از فروش، تقسیم و یا انتقال آن به اجاره‌کنندگان ممانعت می‌شود و به‌جای آن، به‌صورت خودکار، آن را به یک وارث از پیش تعیین‌شده منتقل می‌کنند - م.

۱۱. قانونی که براساس آن یک زمین، پس از مرگ والد، به فرزند ارشد و پس از آن، مستمراً، به سایر فرزندان به‌ارث می‌رسد - م.

مقدمه مترجمان

یکی از عناصر تعیین‌کننده عبور از ابهامات و وقایع پیش‌بینی‌ناپذیر، در مورد مسائل حیاتی و سرنوشت‌ساز، دست‌یافتن به ادراکی روشمند با استفاده از الگوی روابط تابعی است. چراکه ریشه اصلی ناکارآمدی‌ها و ناهنجاری‌ها را باید در خلأ معرفتی در عرصه‌های سرنوشت‌ساز جستجو کرد.

تا آنجا که به مسئله توسعه و توسعه‌نیافتگی مربوط می‌شود، شاید کمتر متغیری به اندازه «حق مالکیت» نظر متفکران و اندیشه‌ورزان و نظریه‌پردازان را به خود جلب کرده باشد. مهار فرصت‌طلبی‌ها و سواری‌های مجانی امکان‌پذیری و تسهیل تقسیم کار عقلایی و بهره‌مندی از دستاوردهای معجزه‌آسای آن پاسخ‌گویی همگانی درباره پیامدهای خارجی مثبت و منفی اقدامات تضمین قراردادهای امکان‌پذیری اخذ وام و اعتبار به منظور گسترش اندازه بازار و افزایش انگیزه‌های ابداع و نوآوری بخشی از کارکردهایی است که درباره آن کم‌وبیش اتفاق نظر وجود دارد.

نام داگلاس نورث، اقتصاددان فقید توسعه، از میان نظریه‌پردازان بزرگی که کارهای جدی و ماندگاری در این زمینه انجام داده‌اند و کارهایشان محرک شکل‌گیری اندیشه‌های جدید بوده است، نامی آشناست. او از اولین کسانی است که صورت‌بندی جامع و منحصربه‌فردی از پدیده انقلاب صنعتی، بر محور حقوق مالکیت، ارائه کرد و توانست اصلاحات بنیادینی در آموزه‌های نئوکلاسیک توسعه پدید آورد. او نشان داد که برخلاف آنچه نئوکلاسیک‌ها مطرح می‌کنند، انگیزش‌ها، که بخش مرکزی اندیشه نئوکلاسیک است، تابعی از ساختار حقوق مالکیت و قوانین حکومت‌ها هستند (نورث، ۱۳۷۷: ۹۰). از دیدگاه نورث، آزادی اقتصادی، برخلاف تصورات سطحی رایج، بر فقدان محدودیت‌ها دلالت دارد. درحالی‌که بازارهای کارا بر تعریف تضمین و اجرای مناسب حقوق مالکیت دلالت دارند که این به معنی ایجاد محدودیت‌هایی است که مشوق رشد بهره‌وری هستند (نورث، ۱۳۷۹: ۸۹-۹۰).

از شاهکارهای نورث در این زمینه آن است که نشان داد عنصر تعیین‌کننده، در پیشرفت فناوری، اصلاح رفتارهای مالی دولت است؛ چیزی که تا آن زمان به ذهن هیچ‌یک از نظریه‌پردازان بزرگ تاریخ توسعه نرسیده بود. نورث در صورت‌بندی خارق‌العاده خود از این مسئله نشان داد که رفتارهای مالی دولت عنصر محوری نامانی حقوق مالکیت است؛ حکومت‌گران به محض آنکه با کسری مالی روبه‌رو می‌شوند، وظیفه اصلی خود، یعنی تعریف تضمین و اجرای کارآمد حقوق مالکیت، را به روش‌های مختلف کنار نهاده و اقداماتشان علیه امنیت حقوق مالکیت می‌شود و به دارایی‌های شهروندان تعرض می‌کنند.

داگلاس نورث سال ۱۶۸۸ میلادی را نقطه‌عطفی در

بسترسازی برای پیشگام‌شدن انگلستان در موج اول انقلاب صنعتی می‌داند؛ زمانی که، در سایه انقلاب شکوهمند، کنار امتیازات گوناگون سیاسی و اجتماعی‌ای که به نفع مردم از ساختار قدرت گرفته شد، ضمانت کافی برای هنجارسازی رفتارهای مالی دولت نیز به نفع پارلمان فراهم گردید — این مسئله‌ای است که از سوی بسیاری از نظریه‌پردازان بزرگ معاصر نیز تأیید شده است. برای مثال، عجم اوغلو و رابینسون (۱۳۹۰: ۲۹) نیز در واکاوی تاریخی خود تصریح نموده‌اند که تغییراتی که پس از انقلاب شکوهمند در نهادهای سیاسی پدید آمد امنیت حقوق مالکیت را بیشتر کرد؛ زیرا هراس مردم از چپاول‌های حکومت پایان یافت.

می‌توان ادعا کرد که در صد سال گذشته، حتی یک نفر هم نبوده که درباره استمرار توسعه‌نیافتگی در ایران پژوهشی انجام داده باشد و بر عنصر نامانی حقوق مالکیت، به مثابه یکی از متغیرهای بسیار تعیین‌کننده در این زمینه، تأکید کرده باشد. برای مثال، می‌توان به گزارش سر پرسبی سایکس^۱ (۱۳۳۶: ۹۷) اشاره کرد که به صراحت اعلام می‌کند که در ایران همواره، با تغییر حکومت‌ها، مالکیت‌ها هم تغییر کرده است. به گونه‌ای که پس از تغییر هر دودمان و سلسله‌ای، قتل و غارت و ناامنی کشور را فرا گرفته است.

با وجود تلاش‌هایی که در این زمینه صورت پذیرفته تا امکان دستیابی به یک فهم روشمند از این ماجرا در ایران فراهم شود، هیچ تناسبی میان آن، با گستره و عمق اهمیتی که اندیشه‌ورزان ایرانی برای آن قائل شده‌اند، نمی‌توان پیدا کرد و خلأ نظری در این زمینه همچنان یکی از موانع سترگ غلبه بر معضل توسعه‌نیافتگی در کشور ایران است.

مقاله حاضر تلاشی است برای برجسته‌کردن ابعاد اهمیت این موضوع، که می‌تواند نیروی محرک تلاش‌های روشمند و نظام‌وار در این زمینه باشد. نویسنده این مقاله، جفری هاجسون، استاد بریتانیایی دانشگاه هرتفوردشایر^۲ در رشته مطالعات کسب‌وکار و سردبیر نشریه اقتصاد نهادی^۳ است. او جز تدریس در دانشگاه‌های مختلف، سمت‌های متفاوتی هم در سازمان‌های مرتبط با توسعه اقتصادی برعهده دارد که از این میان می‌توان به دبیری شبکه میان‌رشته‌ای تحقیقات نهادی^۴ اشاره کرد. هاجسون، به‌خاطر نظریه‌پردازی در حوزه سرمایه‌داری و نهادگرایی، موفق به دریافت جوایز و افتخارات گوناگونی همچون دکترای افتخاری مؤسسه اقتصاد

1. Sir Percy Sykes

2. University of Hertfordshire

3. Journal of Institutional Economics

4. World Interdisciplinary Network for Institutional Research (WINIR)

در جریان انقلاب ۱۶۸۸، انگلستان از متحدان بین‌المللی قدیمی خود جدا شد و این مسئله کشور را به سمت جنگی بزرگ علیه فرانسه و اسپانیا کشاند که در جنگ جهانی هفت‌ساله (۱۷۵۵-۱۷۶۳) به اوج خود رسید. این جنگ‌ها باعث تحریک انقلاب‌های مالی و اداری شدند که سرمنشأ آن توافق ۱۶۸۹ میان پادشاه و مجلس بود. نیاز به حفاظت و نگهداری از امپراتوری روبه‌رشد تجاری، دولت بریتانیا را مجبور به اصلاح نظام مالی، جذب مالیات بیشتر و خرید محصولات صنعتی و کشاورزی و خدمات برای نیروی زمینی و ناوگان دریایی‌اش نمود. توسعه نظام مالی مشوق سرمایه‌گذاران شد و فرصت‌هایی برای استفاده از مالکیت ارضی، به‌عنوان وثیقه برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مالی و صنعتی، فراهم کرد.

در بخش دوم مباحثات نورث، به تأثیرات انقلاب ۱۶۸۸ بر امنیت حقوق مالکیت پرداخته می‌شود. چنان‌که برخی مورخان اشاره کرده‌اند، این انقلاب فی‌نفسه تدافعی و محافظه‌کارانه بود و تغییرات کلان، اما اندکی را به‌همراه داشت.

بخش سوم، تکامل حقوق مالکیت در انگلستان را مدنظر قرار داده است. حقوق مالکیت، به‌خصوص در زمینه املاک، از قرن سیزدهم از امنیتی نسبی برخوردار بود. یکی از مشکلات اساسی توسعه نظام سرمایه‌داری، طبیعت ذاتی فئودالی آن حقوق بود، اما سریع‌ترین پیشرفت، در زمینه اصلاح مالکیت ارضی، در دهه ۱۷۵۰ آغاز شد؛ زمانی‌که استفاده از زمین، به عنوان وثیقه برای دریافت وام، برای اجرای پروژه‌های دیگر رواج یافت. البته، تا دهه ۱۷۶۰، در مورد مسئله حق اختراع، که در مجموعه حقوق مالکیت قرار می‌گیرد، پیشرفت چشمگیری حاصل نشد. برخی انواع حقوق مالکیت نامن شدند؛ مثلاً قانونی وضع شد که براساس آن، قدرت حقوقی و قانونی‌ای را که به صورت موروثی به یک خاندان منتقل می‌شد^۴ و در اوایل ۱۷۰۰ رواج داشت، حذف کردند.

بخش چهارم به بررسی رشد اقتصادی در قرون ۱۷ و ۱۸ و تغییرات هم‌زمان در الگوهای شغلی می‌پردازد. برنامه توسعه اقتصادی در حدود ۱۶۵۰ - یعنی بیش از سی سال قبل از انقلاب ۱۶۸۸ - شکل گرفت، اما پیشرفتی نداشت، تا اینکه بعدها، در حدود ۱۷۶۰ - بیش از ۷۰ سال بعد از انقلاب ۱۶۸۸ - سرعت گرفت. بررسی شواهد موجود مبتنی بر رشد طبقه‌های اجتماعی درگیر در صنعت و تجارت نشان می‌دهد که درصد مشارکت آن‌ها در درآمد ملی، مابین سال‌های ۱۶۸۸ تا ۱۷۵۹، افزایش کمی داشته است. در نتیجه، گواهی که نشانه تغییر بزرگی در موازنه قدرت طبقه‌ای به نفع طبقه سرمایه‌داری^۵، از ۱۶۵۰ تا ۱۷۶۰، وجود ندارد.

آکادمی علوم روسیه و جایزه شومپیتر (۲۰۱۴) شده است. بر اساس پایگاه داده ریپک^۱، از میان بیش از ۳۵۰۰۰ اقتصاددان در سراسر جهان، او در ۶ درصد بالایی اقتصاددانان از حیث تألیف منابع قرار می‌گیرد. از میان صدها مقاله، کتاب و پژوهش علمی که او در زمینه توسعه، به‌خصوص از منظر نهادگرایی، تألیف کرده است، بیشترین توجه و تمرکز خود را بر مسائل تاریخی و سیاسی و اهمیت آن‌ها در موضوع توسعه و رشد قرار داده است. از این جهت، جفری هاجسون را می‌توان یکی از برجسته‌ترین نهادگرایان جهان دانست.

گفتگوی مکتوب هاجسون با داگلاس نورث، در زمینه حقوق مالکیت انقلاب شکوهمند و پیشگامی انگلستان در موج اول انقلاب صنعتی، نشان می‌دهد که وقتی اهمیت موضوعی در سطح نظری آشکار شد، چگونه می‌توان از یک موضوع مهم تاریخی، ولو آنکه بیش از سیصد سال از عمر آن گذشته باشد، به‌مثابه ابزاری برای عمق‌بخشیدن به اندیشه‌های راهگشا استفاده کرد و افق‌های جدیدی را به روی اندیشه‌ورزان و سیاست‌گذاران گشود.

۱. معرفی

یکی از مسائل کلیدی برای مورخان اقتصادی، تبیین نوآوری‌ها، ترقی در بهره‌وری و بهبود در استاندارد متوسط زندگی است که در قرن نوزدهم در بریتانیا وجود داشت و بعدتر به سایر کشورها نیز گسترش یافت. در حوالی سال‌های پس از ۱۷۰۰، تولید ناخالص داخلی (جی‌دی‌پی)^۲ در اروپا رو به صعود رفت و پس از آن، سیر صعودی آن تسریع شد. سرانه جی‌دی‌پی برای اروپای شرقی در سال ۲۰۰۳، ۲۰ برابر مقدار آن در سال ۱۷۰۰ و برای جهان در سال ۲۰۰۳، ۱۱ برابر سال ۱۷۰۰ بود (Maddison, 2007).

علت این رشد بی‌سابقه تولید و نوآوری چه بود؟ این پرسش، دغدغه بزرگ داگلاس نورث بود. در مورد بریتانیا، نورث و وینگست (۱۹۸۹) بر اهمیت تغییرات نهادی، به‌تبع انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸، تأکید داشتند. آن‌ها ادعا می‌کنند که این واقعه، موجب افزایش امنیت حقوق مالکیت شد. اما طرح نورث با انتقادهایی همراه بود. برای مثال، چنان‌که از مستندات مورخان برمی‌آید، انقلاب ۱۶۸۸ موجب ایجاد تغییر در حقوق مالکیت نشده است. گرچه انقلاب عملاً تغییراتی را در موازنه بین سلطنت و مجلس ایجاد کرد، اما این تغییرات ماحصل تنظیمات قانونی توافقات سیاسی ۱۶۸۹ نبودند.^۳

۱. شاخص Research Papers in Economics (RePEc). شاخصی برای پژوهش‌ها و پژوهشگران اقتصادی بر اساس تألیفات است - م.

2. GDP

۳. از ۱۶۰۳، انگلستان، ولز و اسکاتلند تحت نظارت یک سلطنت بودند. در نتیجه، یورش و قتل ویلیام، شاهزاده اورانژ [لقبی برای ویلیام سوم]، در ۱۶۸۸ بر هر سه کشور بریتانیای کبیر تأثیرگذار بود؛ اما اسکاتلند در بخش‌هایی نظام قانونی مجزایی را حتی پس از قانونی‌سازی‌های پیمان پیوند بریتانیا و اسکاتلند در ۱۷۰۷ که موجب ایجاد یک مجلس بریتانیایی واحد شد، نگه داشت - م.

4. Heritable Jurisdiction

5. Bourgeoisie

برای آن‌ها، اولین مرحله توسعه در اواخر قرن هفدهم اتفاق افتاد؛ وقتی که تقویت حقوق مالکیت، هم برای صاحبان زمین و هم صاحبان سرمایه، فرایند توسعه مالی و تجاری را تسریع بخشید. آن‌ها تأکید کردند که توافق ۱۶۸۹ قدرت سلطنت را محدود و توسعه حقوق مالکیت را تسهیل کرد.^۲ اما مورخان عناصر کلیدی این بحث را نقد کرده‌اند. محققان برتر، از وسعت اثر توافق قانونی ۱۶۸۹ با تأکید بر طبیعت محافظه‌کارانه آن کاسته‌اند. هدف این انقلاب اصلاح حقوق از پیش تعیین شده بود و تنظیمات قانونی را پس از آشوب‌های جنگ داخلی و استوارت‌ها نجات داد و بیشتر تدافعی بود تا نوآورانه (Mor- Jones, 1992; rill, 1992; Nenner, 1997; Ogilvie and Carus, 2014; Pincus, 2009; Scott, 1991; Trevor-Roper, 1992; Western, 1972).

توافق ۱۶۸۹ در ظاهر قدرت غیررسمی مجلس را در برابر سلطنت تقویت کرد، اما تغییرات کمی در قوانین صورت پذیرفت. اگرچه پس از انقلاب شکوهمند جلسات مجلس با نظم بیشتری برگزار می‌شد، اعلامیه حقوق ۱۶۸۹ در این مورد مبهم بود و سایر قوانین نیز برای برگزاری مجلس مداوم، همانند قرن چهاردهم، رد شدند (Pincus and Robinson, 2014: 197). همچنین، قانون جدیدی برای تأکید بر اولویت حکومتی قوانین عرفی پس از انقلاب شکوهمند به وجود نیامد (ibid). قانون‌گذاری، دقیقاً پس از انقلاب شکوهمند، به ندرت نوآورانه بود و سابقه آن در سال‌های ۱۶۲۴، ۱۶۴۴ و ۱۶۷۷ و در سایر قوانینی که به دنبال بررسی سهل‌انگاری مجلس در مورد مسائل مالی دولت بود، قابل ردیابی است (ibid). پینکس و رایبسون (2014: 201) نقد خود را این‌گونه خلاصه می‌کنند: «درحالی‌که نورث و وینگست، در مورد تغییرات بنیادین در رفتار سیاسی انگلیس پس از ۱۶۸۸، به درستی استدلال کرده‌اند، اما سازوکاری که برای آن مطرح کرده‌اند نمی‌تواند علت آن باشد. علل دگرگونی انقلابی انگلستان را در جای دیگری باید جست.»

با این حال، هرچند ممکن است نورث و وینگست، در مورد تأثیرات بنیادین ۱۶۸۹، اغراق کرده باشند، نظارت‌های مهم جدیدی بر درآمدها و قدرت حاکمیت برای مجلس به وجود آمد و مجلس، به صورت علنی، تعهدات حاکمیت را تحت نظارت خود درآورد (Cox, 2012; 2014). قوانین مالی ۱۶۹۰ به امتیازهای مادام‌العمر پادشاهی پایان داد و به جای آن حقوق محدود را جایگزین نمود (Roberts, 1977). قانون شورش در سال ۱۶۸۹ سلطنت را مجبور کرد تا، به هنگام جنگ، مجلس را در نظر داشته باشد. در مجموع، پادشاه بیش از گذشته به مجلس وابسته شد.

بخش پنجم به مرور انقلاب‌های مالی و اداری می‌پردازد که از ۱۶۸۹ تا دهه‌های اولیه قرن هجدهم ادامه داشت. در مقابل شاخص‌های فوق، بلافاصله پس از ۱۶۸۹ با شواهدی مبنی بر رشد دخالت‌های اداری دولت، مالیات‌بندی افزایش یافته و بنابراین، با توسعه کلان نهادهای مالی مواجه هستیم. علل این تغییرات را می‌توان ناشی از نیاز شدید به آماده‌شدن برای جنگ و دفاع دید. در عوض، این انقلاب‌های مالی و اداری موجب توسعه مبانی نظام سرمایه‌داری براساس مالکیت‌های قابل وثیقه‌گذاری، بدهی قابل انتقال، تجارت جهانی و قدرت دولت شدند.

بخش ششم، با در نظر گرفتن زنجیره رویدادهای متفاوت مرتبط با انقلاب ۱۶۸۸ و انقلاب صنعتی، مباحث پیشین را جمع‌بندی می‌کند.

۲. ۱۶۸۸، موازنه قدرت و حقوق مالکیت

از نظر نورث و وینگست (1989: 803)، توسعه اقتصاد مدرن بریتانیا وابسته به تأمین امنیت حقوق مالکیت و حذف دولت مصادره‌محور بود. از این منظر، انقلاب ۱۶۸۸، به عللی چون توافقات قانونی ۱۶۸۹ میان پادشاهی و مجلس، که در آن اعلامیه حقوق^۱ مجلس را در مسئله قانون‌گذاری و مالیات‌بندی قرار گرفت، دوره‌ای حیاتی محسوب می‌شود.

بنابراین، کاهش قدرت مستبدانه پادشاهی نه تنها موجب تأمین آزادی‌های اقتصادی بیشتر و حقوق مالکیت شد، بلکه آزادی‌ها و حقوق سیاسی را نیز به همراه آورد (North and Weingast, 1989: 816). در نتیجه، تعهد حکومت به ایفای وظایف خود در مورد توافقات مالی، بخشی از یک تعهد کلان برای تأمین امنیت حقوق مالکیت بود (ibid).

نورث و وینگست (ibid) به تعدادی از تغییرات تابعه در نظام مالی، شامل تشکیل بانک انگلستان در ۱۶۹۴، کاهش نرخ‌های بهره، افزایش تجارت در سهام و اوراق بهادار و رشد و توسعه بانک‌ها اشاره می‌کنند. آن‌ها به این دسته از توسعه‌های مالی، به‌عنوان مصادیق کلانی برای ادعای خود در مورد تأثیر توافق ۱۶۸۹ در امنیت حقوق مالکیت و بنیان‌گذاری رشد اقتصادی قرن هجدهم، ارجاع می‌دهند.

همین‌طور، عجم‌اوغلو و همکارانش (2005a: 393) مطرح می‌کنند که در قرون وسطی انگلیس با کمبود حقوق مالکیت برای صاحبان زمین، تجار و صنعتکاران اولیه^۲ مواجه بود و

۱. سندی که پس از انقلاب شکوهمند، با جزئیات به شرح خطاها و اشتباهات پادشاه قبلی (جیمز دوم) پرداخته و به ذکر حقوق رسمی‌ای را که هر شهروند بریتانیایی از آن برخوردار است می‌پردازد - م.

۲. اصطلاح Proto-industrialization به دورانی پیش از انقلاب صنعتی اشاره دارد که در آن برخی خانواده‌های زمین‌دار به تولید تقاضا محور روی آوردند. این دوره را نقطه آغازی بر انقلاب صنعتی می‌دانند - م.

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید به مقالات Olson (1993-2000) و Acemoglu and Robinson (2102) مراجعه کنید.

قرن را برای امواج خروشان نوآوری و بهره‌وری انقلاب صنعتی، صبر کند؟»^۵

این مناقشه، هم در وقایع و هم در تجزیه و تحلیل، محل بحث است. تاریخ اقتصاد به استفاده و تفسیر داده تجربی وابسته است؛ اما سؤالاتی که مورخان اقتصادی می‌پرسند و انواع تفاسیری که از داده‌ها صورت می‌گیرند، به شکلی حیاتی وابسته به قضاوت آگاهانه بر مبنای نظریات اقتصادی و اجتماعی هستند. بسیاری از مباحث صورت گرفته در مورد نتایج اقتصادی انقلاب شکوهمند توسط اندیشه‌های ناقص در مورد حقوق مالکیت و نهادهای پولی و مالی رهنمون شده‌اند که، در برابر پیوستگی مطالب در مورد مالکیت قابل وثیقه‌گذاری و وام، ضعیف است. هدف در اینجا نمایان کردن مسیر معقولی بر اساس فهمی غنی‌تر از مالکیت است؛ درحالی‌که بر جنبه‌های مدنظر قرار داده‌نشده تأمین مالی تأکید می‌گردد. وقتی مسئله رابطه بین مالکیت و تأمین مالی بهتر شناخته شوند، راه‌حل جدیدی برای معمای ۱۶۸۸ ظاهر می‌گردد.

این مقاله، اهمیت حقوق مالکیت در توسعه اقتصادی را به چالش نمی‌کشد، بلکه بر مفهوم عمیق‌تر قانونی آن‌ها و طبیعت چندوجهی‌شان تمرکز دارد. چون اندیشه حقوق مالکیت در بسیاری از اقتصادهای نهادی توسعه نیافته است و اغلب، جزئیات و تغییرات مهم، در مورد این مبحث نادیده گرفته می‌شود

(Cole, 2015 Cole and Grossman, 2002; 2015b; 2015c; Heinsohn and Steiger, 2013; Hodgson, 2008; Steiger, 2008; DeSoto, 2000; 2015a; 2014).

حقوق مالکیت در انگلستان، خیلی پیش از ۱۶۸۸، به همان شکل وجود داشت و دارای امنیتی نسبی بود. رفته‌رفته شکل آن تغییر کرد و موجب افزایش فرصت‌ها، برای استفاده از زمین و سایر دارایی‌ها، به‌عنوان وثیقه تأمین مالی در سرمایه‌گذاری‌های کسب‌وکار شد. این امر لزوماً اهمیت سیاسی - اقتصادی انقلاب شکوهمند را از بین نمی‌برد، اما موجب تغییر تأکیدهای تحلیلی می‌شود و ایجاد روابط قوی‌تری میان رشد استفاده از دارایی‌ها به عنوان وثیقه و توسعه نهادهای مالی، به‌خصوص در انقلاب مالی اوایل ۱۷۰۰ می‌گردد. توسعه‌های مرتبط با مالکیت و تأمین مالی به سادگی به هم مربوط می‌شوند. نورث و وینگست ادعا می‌کنند که تأمین امنیت حقوق مالکیت که پیامد انقلاب ۱۶۸۸ بود، رشد افزایش تأمین بودجه را در پی داشت که همین امر موجب استفاده بیشتر از حقوق مالکیت، به‌عنوان وثیقه برای قرض کردن، و تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها شد.

نیاز به تأمین مالی، در پی جنگ بزرگی که در ۱۶۸۸ و به دنبال انقلاب شکوهمند و متحدین خارجی جدید انگلستان شکل

اما اثر این تغییرات قانونی بر حقوق مالکیت مشخص نشده است. این مسئله معضل بزرگی است که در نظریه نورث- وینگست باقی مانده است. برخی از محققان تأکید کرده‌اند که حقوق مالکیت، بیش از ۱۶۸۸ نیز در سال ۱۶۰۰ یا حتی زودتر از آن، نسبتاً دارای امنیت بوده است (Angeles, 2011; Clark, 1996; 2007; McCloskey, 2010; Ogilvie, 2006; Carus, 2014; Sussman and Yafeh, 2006). سایر مورخین مطرح می‌کنند که تأثیر سال‌های ۱۶۸۸ تا ۱۶۸۹، بر امنیت فعالیت‌های مالی عمومی و خصوصی، نه مشخص است و نه بلافاصله اتفاق افتاده است. مورفی (2009: 5) اشاره می‌کند که تعهدات مالی پس از انقلاب شکوهمند اعتبار چندان بیشتری نسبت به تعهدات گذشته در دوره سلطنت استوارت‌ها^۱ نداشته است. مورفی (2013) همچنین عنوان می‌کند که این سرمایه‌گذاران مالی بودند که خواستار تعهدات معتبر پس از ۱۶۸۹، برای حفاظت از مالکیت پایین‌دستان، شدند و این پیشنهاد از بالادستان نبود.

برخلاف نورث و وینگست، هوپیت^۲ (2011) و اوگیلوی و کاروس (2014) بحث می‌کنند که مالکیت پس از انقلاب شکوهمند دارای امنیت بیشتر نبود؛ این حقیقت آشکار که مجلس با نظم بیشتری برگزار می‌شد، ریسک قانون‌گذاری بیشتری را برای مالکیت شکل داد. هوپیت (2011: 108) در مورد اشکال مختلفی از مالکیت می‌نویسد که پس از ۱۶۸۸ ناامن‌تر شدند: «قدرت‌های قضایی قابل توارث، دادگاه‌ها و اداراتی بودند که از طرف پادشاه به افراد اعطا شده و عملاً به‌عنوان یک مالکیت شخصی، قابل توارث و یا، در صورت تمایل، قابل فروش بودند». گرچه قدرت قضایی قابل توارث، به شکل رشک‌برانگیزی منبع درآمد و اعتبار اجتماعی بود، در اوایل قرن هجدهم رفته‌رفته کم‌رنگ شد و از آن دفاتری پر شده از کارمندان حقوق‌بگیر باقی ماند. فسخ قانون مالکیت بردگان در سال ۱۸۳۳، نمونه چشمگیر دیگری از ناامنی حقوق است.^۳

با وجود زنجیره علیت، توسعه صنعتی بریتانیا بعدها سرعت گرفت. همان‌طور که کلارک (1996: 588) می‌نویسد: «نهادگرایان با جعل رابطه میان تغییرات نهادی سال ۱۶۸۸ و انقلاب صنعتی آغاز شده در ۱۷۶۰، کاری غیرمعمول انجام داده‌اند». الن^۴ (2009) سوال مشابهی را مطرح می‌کند: «اگر نتایج انقلاب شکوهمند تا این حد برای مالکیت و کسب‌وکار حیاتی بود، پس چرا انگلستان مجبور شد بخش اعظمی از یک

۱. Stuart منظور خانواده سلطنتی است - م.

2. Hoppit

۳. با این حال برده‌داران بریتانیایی غرامت دریافت کردند. بخش اعظمی از این سرمایه در دهه ۱۸۴۰، برای توسعه خطوط ریلی سرمایه‌گذاری شد.

4. Allen

۵. این نواقص مشخص در زمان‌بندی و ذات تعابیر نهادی موجب شد مک‌کلاسیکی (2010; 2016) بر نقش ایده‌های آغاز حرکت برای رشد اقتصادی بریتانیا از اواخر قرن هجدهم تأکید نماید.

در ۱۶۷۲ سر باز زد. همان طور که نورث و وینگست (1989): 820-819) اشاره می‌کنند، از ۱۶۰۴ تا ۱۶۲۸، جیمز اول و چارلز اول تعدادی وام اجباری را از وام‌دهندگان انگلیسی به‌زور گرفتند. همچنین، اگر صاحب زمینی مرتکب خیانت می‌شد یا در جنگ‌های داخلی طرف اشتباهی را انتخاب می‌کرد، به احتمال زیاد مجبور می‌شد زمین‌های خود را، به‌عنوان جریمه، غرامت دهد. در غیر این صورت، گاهی پادشاهان انگلستان اموال را توقیف کرده و قراردادها را نادیده می‌گرفتند، اما در مقایسه با اروپا، این وقایع کمتر اتفاق می‌افتاد.

در قرون دوازده و سیزده، نظام قانونی جدیدی در انگلستان و در برخی قسمت‌های اروپای شمالی، تحت تأثیر قانون مصوب جدید کلیسا و کشف قوانین رومی ژوستینی^۳ توسعه یافت (Berman, 2003; 1983). به تبع آن، از قرن سیزدهم در انگلستان، با وجود نظام مالکیت، قرارداد و قوانین جنایی مصوب طولانی مدت و حقوق مالکیت برای ثروتمندان مقرر شد.

البته، دسترسی به نظام قضایی برای فقرا بسیار محدود بود و فساد و ناکارآمدی در نظام قانونی وجود داشت. نامه‌های متعدد به‌دست‌آمده از خانواده پستن^۴ — که از زمین‌داران اصیلی در نورفولک^۵، در قرن پانزدهم بودند — پیچیدگی‌های ملال‌آور و فساد قوانین را در مالکیت زمین به‌خوبی نشان می‌دهد (Castor, 2006). اما مسئله اصلی آنان، تهدید مصادره از جانب سلطنت نبود. تمرکز اصلی نورث و سایرین در امنیت حقوق مالکیت بر وقایعی است که خیلی زود و خیلی دیر اتفاق می‌افتند. در قرن سیزدهم، حقوق مالکیت در انگلستان برای افراد کمی نسبتاً امن بود، اما برای اکثریت، حتی در دوره انقلاب صنعتی، ناامن بود. به‌علاوه، این نگاه معمول، تفاوت میان انواع مختلف حقوق مالکیت، شامل تفاوت‌های میان حقوق قابل استفاده، حقوق قابل فروش، حقوق قابل توارث و حقوق قابل وثیقه‌گذاری را نادیده می‌گیرد (Honore, 1961).

پیش از انقلاب صنعتی، زمین مهم‌ترین ثروت به‌شمار می‌آمد. بزرگ‌ترین مانع برای توسعه بازرگانی، نه امنیت حقوق مالکیت، که طبیعت فنودالی حقوق ارضی بود. سال‌ها پس از افول نگاه فنودالیستی سنتی در انگلستان، حقوق مستحکم و صحیح تنظیم‌شده، اغلب تعهداتی را برای زمین‌داری طرح می‌کرد که استفاده از زمین برای سرمایه‌گذاری را محدود کرده و مانع رشد بازارها، تأمین مالی و سرمایه‌داری می‌شد.

درحالی‌که زمین‌داری، که شامل لغو قانون تصدی نظامی^۶

گرفت، منجر به تأسیس بانکی در سال ۱۶۹۴ در انگلستان شد. این زنجیره‌ای از رویدادهای نهادی بود که با درنظرداشتن نقش حیاتی دولت در جمع‌آوری مالیات، تأمین اوراق قرضه و وام‌ها، حمایت از بانک‌های خصوصی و آخرین مرجع وام‌دهنده^۱ موجب توسعه یک نظام مالی مدرن در بریتانیا شد. بنابراین مهم است که طبیعت یک نظام مالی مدرن را درک کنیم (Carruthers, 1996; Keynes, 1930; Mitchell Innes, 1914; Moore, 1988; Wray, 2012; Hodgson, 2015a; Ingham, 2004; 2008).

متأسفانه داده پردازش‌شده اندکی از آن دوره وجود دارد تا دارایی‌های وثیقه‌گذاری شده، حجم وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و رشد بازار بدهی را مشخص کند. در مقابل، مراحل کلیدی قانونی برای تغییرات حقوق مالکیت و تأمین مالی، شناخته‌شده هستند. با وجود این، بحث اصلی این مبحث، باید در قالب یک فرضیه برای تأییدات تجربی بعدی تدوین شود.

۳. زمان‌بندی بد: تکامل حقوق مالکیت در انگلستان

آیا حقوق مالکیت در قرون وسطی دارای امنیت بود؟ همه کشورهای اروپایی در این مورد مشابه هم نیستند، اما نباید توسعه‌های صورت‌گرفته قانونی نسبتاً مدرن انگلستان را در قیاس با سایر کشورهای اروپایی نادیده بگیریم. عجم‌اوغلو و همکارانش (2005a: 394) به نقل از ویچ^۲ (1986) اظهار می‌کنند که پادشاهان قرون وسطی نواقص مالی زیادی داشتند. خود ویچ (1986: 31) می‌نویسد: «در اروپای قرون وسطی، مصادره اموال و عدم بازپرداخت دیون رایج بود». بر همین مبنای عجم‌اوغلو و همکارانش استنباط کرده‌اند که چنین ناامنی‌هایی در انگلستان نیز به وفور یافت می‌شد. اما ویچ تنها چهار مثال از مصادره اموال و عدم بازپرداخت دیون در انگلستان دوره قرون وسطی آورده است. به طور خاص، او نوشته است که ادوارد اول، یهودیان را بیرون انداخته و اموال آنان را مصادره کرد و ادوارد اول، دوم و سوم همگی از پرداخت دیون ایتالیا سر باز زدند. این وقایع مابین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۴۰ اتفاق افتاده و تعداد کمی از مالکان انگلیسی را نشانه گرفته‌اند.

چندین مورد مصادره، پس از قرون وسطی اتفاق افتاد. هنری هشتم زمین‌های راهبان مذهبی را در بازه زمانی سال‌های ۱۵۳۶ تا ۱۵۴۱ به تصرف خود درآورد؛ در ۱۶۳۸ چارلز اول دویست هزار پوند سکه و شمش از ضرابخانه لندن برای تأمین مالی جنگ علیه اسکاتلند برداشت کرد و چارلز دوم از پرداخت دیون خود

3. Justinian Roman law

4. Paston

5. Norfolk

۶. قانونی که طی آن زمین‌داران موظف به پرداخت مبلغی سالیانه به‌جای خدمت نظامی بودند — م.

۱. اصطلاح Last Resort به نهادهایی اطلاق می‌شود که به بانک‌ها و مؤسسات مالی در شرایط بحرانی وام داده و به خروج آن‌ها از بحران کمک می‌کنند — م.

2. Veitch

محدودیت‌های در قابلیت فروش املاک مهم بودند. چراکه توسعه کشاورزی در انگلستان را، که می‌توانست موجب تولید نیروی کار برای صنعت در حال رشد شود، به تعویق انداخت. به‌علاوه، مشاعات، وراثت انحصاری املاک و واگذاری‌های مؤکد، شدیداً مانع استفاده از زمین به عنوان وثیقه وام شد که می‌توانست در سرمایه‌گذارهای بازرگانی، صنعتی و زیرساختی مورد استفاده قرار گیرد.

توان بالقوه نقش دارایی به‌عنوان وثیقه در بسیاری از اقتصادهای حقوق مالکیت نادیده گرفته شده است (Alchian, 1965; Barzel, 1989). اقتصادهایی که معمولاً بر اهمیت غیررسمی مسئله نظارت، بیشتر از اهمیت حقوقی یک عنوان قانونی که توسط یک منبع قضایی صاحب اعتبار شده است، متمرکز هستند (Arrunada, 2016; Cole and Grossman, 2002; Hodgson, 2015a; 2015b; 2015c). نورث (1981: 17; 1994: 361) تأکید می‌کند که دولت تعیین‌کننده ساختار حقوق مالکیت است و ابعاد حقوق مالکیت با شروط قانونی تعریف می‌شوند، اما او جنبه‌های کلیدی مالکیت‌های قانونی را به‌عنوان یک وثیقه بالقوه مورد کاوش قرار نداده است.

موانع تجاری شدن زمین و استفاده از آن به عنوان وثیقه، علی‌رغم تنش‌های سیاسی قرون پانزدهم و شانزدهم و هفدهم، سریع و ساده از بین نرفت. از این موانع با منافع شخصی قدرتمند و مستحکمی دفاع می‌شد. مجلس اقدامات متعددی برای حذف آن‌ها انجام داد که تا قرن نوزدهم ادامه یافت. هرگونه حصارکشی در زمین‌های مشاع منجر به سرکشی مأموران دولت و نقشه‌برداران، برگزاری جلسات در روستا و داوری قضایی موارد منازعه می‌گردید. حصارچینی در انگلستان به قرن سیزدهم بازمی‌گردد، اما این مسئله با اقدامات ضد حصارکشی سال‌های ۱۴۸۹ و ۱۵۱۶ مورد اعتراض قرار گرفت. حصارکشی پس از آن چنان افزایش یافت که گاهی موجب تحریک شورش‌های بخش روستایی می‌شد. برخی از این حصارکشی‌ها به شکلی مستبدانه انجام می‌شد، برخی داوطلبانه و برخی هم با اعمال نفوذ اقدامات مجلس. البته، فقط از اقدامات مجلس در این زمینه داده‌های معتبر در دست است.^۲ اقدامات ارضی موجب حذف واگذاری‌های اجباری شد و از مجوز قانونی برای توسعه زیرساخت‌ها، شامل بهبود جاده‌ها و رودخانه‌ها و ساخت کانال‌ها (و بعدها خطوط راه‌آهن) استفاده گردید. اقدامات ارضی، مجوز قانونی و حصارکشی، که همگی از زیرساخت مشترکی برخوردار بودند، موجب از میان برداشته شدن موانع

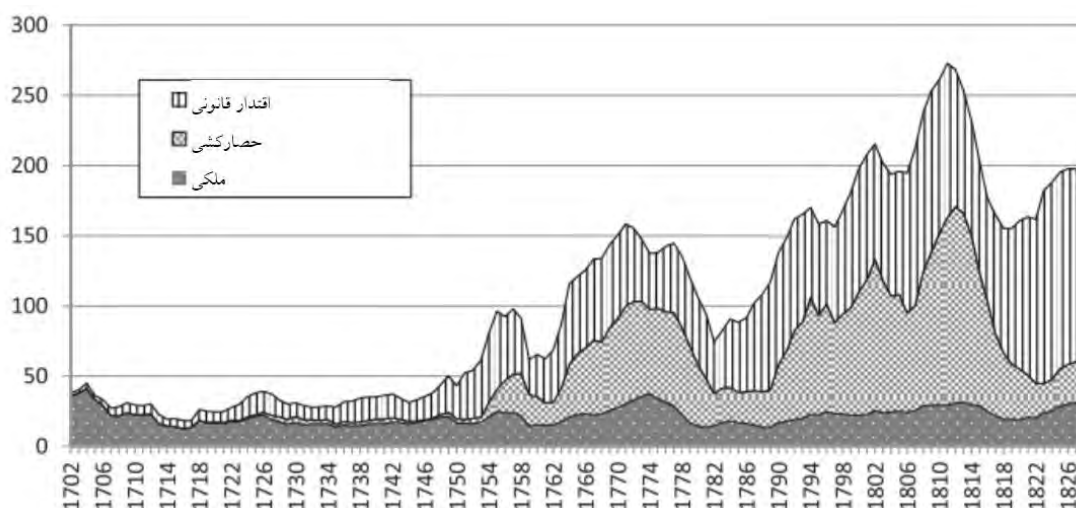
توسط چارلز دوم (که در اغلب موارد لزوم پرداخت اجاره توسط کشاورزان مستأجر را برای خدمت وظیفه حذف می‌کرد) بود، موضوع مهمی برای قانون‌گذاری بود، زمین به عنوان منبع و نماد بزرگ قدرت خانواده‌هایی که مالک بودند باقی ماند. به‌طور خاص، محدودیت‌هایی، مشهور به وراثت انحصاری، در زمینه مالکیت‌های ارضی وجود داشت. بسیاری از این قوانین تضمینی بر اولویت فرزند، ارشد به‌عنوان وارث زمین، تأکید داشتند. این محدودیت، حقوقی برای مالک زنده ملک، حقی تقویت‌شده برای وراثت آینده او به وجود می‌آورد، اما حتی وقتی که دادگاه‌ها حقوق وراثت را در سال ۱۶۱۴ محدود کردند، به شکلی گسترده و داوطلبانه این حقوق با واگذاری مؤکد جایگزین شد که تأثیر مشابهی داشت و تا قرن نوزدهم باقی ماند (Allen, 2012; English and Saville, 1983; North et al., 2009: 89). وراثت‌های انحصاری و واگذاری‌های مؤکد موارد استفاده از زمین را محدود می‌کردند.

«... مالکان به ندرت می‌توانستند به فروش، معاوضه و گروه‌گذاری املاک تحت نظارت خود اقدام کنند. مالکان نمی‌توانستند املاک را جایگزین کنند، حتی اگر این مسئله را مدنظر قرار می‌دادند که این جایگزینی با هدف بهبود صورت گرفته و مناسبات قانونی را به مخاطره نمی‌اندازد... معامله‌کردن و پیش بردن قراردادهای بر سر زمین‌های توافق، هزینه‌بر، دارای عدم قطعیت و ناامن بود.» (Bogart and Richardson, 2011: 245).

نیاز به قوانین بیشتری، برای حذف قوانین وراثت انحصاری و واگذاری مؤکد، وجود داشت، اما به شکلی لاجوجانه در مقابل این مسئله مقاومت نشان داده شد و علت اصلی آن، حمایت نجیب‌زادگان مرفه بود. مالکان بر فروش یا گروه‌گذاری زمین‌هایی که برای نسل‌ها در خانواده آن‌ها بود، تمایلی نشان نمی‌دادند. از دست دادن زمین، به معنای از دست دادن شئون، اثرگذاری‌ها، مناصب و مزایا بود.^۱ چنین زمین‌هایی به استفاده عمومی روستاییان اختصاص داده شده بود. تخمین زده می‌شود که در ابتدای قرن هجدهم، در حدود یک‌چهارم زمین‌های قابل کشت به‌صورت مشاع در اختیار روستاییان بود که حقوقی شامل چراگاه‌ها، منابع آب یا چوب را به اشتراک می‌گذاشتند (Bogart and Richardson, 2011: 247). این زمین‌های مشاع قابل فروش یا گروه‌گذاری نبودند. چنین

۱. محدودیت‌های فنودالی بر دارایی ارضی از پیش از ۱۷۸۹ در فرانسه هم وجود داشت، اما فرانسه از منظر حیاتی دیگری با انگلستان تفاوت داشت. بوروکراسی دولتی عظیمی توسط پادشاه قدرتمند به وجود آمده بود؛ کمبود بازرسی‌ها و توازن‌های سیاسی کافی. برخلاف انگلستان و هلند در قرن هجدهم، هیچ بازار سرمایه توسعه‌یافته‌ای برای ارائه اوراق قرضه دولتی وجود نداشت. در عوض، فرانسه برای جذب منابع مالی، از یک سیستم پیچیده و طاقت‌فرسای مالیاتی، بانک‌های خصوصی و مراکز نزول‌خواری استفاده می‌کرد (Carruthers, 1996: 23).

۲. برای بحث این مقاله، الزامی بر ارزیابی این مسئله وجود ندارد که آیا حصارچینی‌ها موجب بهبود یا عدم بهبود بهره‌وری کشاورزی شدند یا نه. این مسئله موضوع برخی بررسی‌های تجربی و مباحثات بوده است (Turner, 1986). اوستروم (1990) نشان داد که مناسبات اجتماعی در بسیاری از شرایط مختلف زنده ماند. نکته مهم‌تر در این بحث این است که حصارکشی‌ها موجب شد زمین‌ها قابل فروش شوند و از آن‌ها به عنوان وثیقه استفاده شود.



نمودار ۱: اقدامات مجلس برای ساماندهی مجدد به حقوق مالکیت ارضی، سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۸۳۰
منبع: میانگین متحرک ۵ ساله، با احتساب مقدار تجمعی عمودی، با استفاده از داده سالیانه (Bogart and Richardson, 2011: 250)

گزارش می‌کند، قانون‌گذاری مالکیت ارضی، مابین ۱۷۵۰ تا ۱۸۳۰، نه تنها موجب توزیع مجدد برخی حقوق مالکیت شد، بلکه حقوق دیگری را هم که بسیاری از روستاییان با آن مخالف بودند از نو تعریف یا حداقل روشن کرد. بالغ بر ۵۲۰۰ اقدام صورت گرفت که بیش از ۶/۸ میلیون جریب زمین (تقریباً معادل ۲۱ درصد از مساحت کل انگلستان) را دربرگرفت.

بوگارت و ریچاردسون (2011: 270) مطرح می‌کنند که اعلامیهٔ حقوق سال ۱۶۸۹ و به تبع آن، برگزاری منظم‌تر جلسات مجلس دلگرمی‌ای برای بسط فعالیت‌های قانونی شد؛ اما از میان برداشتن قوانین وراثت انحصاری و واگذاری اجباری و حصارکشی زمین‌های مشاع، با مخالفت شدید طبقات پایین‌تر و بالاتر جامعه روبه‌رو شد. توافقات ۱۶۸۹ اگرچه ممکن است به وضع چنین قانون‌گذاری‌هایی کمک کرده باشد، اما نمی‌تواند علت برانگیخته شدن مردم برای ترویج آن و غلبهٔ منافع شخصی محافظه‌کارانه بر وضع موجود را توضیح دهد. حق اختراع از جمله موارد حقوق مالکیت است و شاخص ضعیفی برای سرعت نوآوری صنعتی محسوب می‌شود. اما ثبت حق اختراع در انگلستان بسیار پرهزینه بود و بنابراین، تعداد زیادی از نوآوری‌ها ثبت نشده بودند. حق اختراع، شاخص درستی برای تخمین نوآوری‌ها نیست، ولی برخلاف نوآوری‌های ثبت‌نشده، حق اختراع، دست‌کم از این منظر که نوعی مالکیت قابل فروش و وثیقه‌گذاری است، حائز اهمیت است. لذا، با حمایت خاندان سلطنتی، رفته‌رفته از قرن هفدهم، حقوق اختراع به شکل مالکیت معنوی مخترعین و تولیدکنندگان انقلاب صنعتی درآمد (MacLeod, 2002) و نظام ثبت

استفاده از زمین و منابع شدند. رویه‌های تصویب این اقدامات در اوایل قرن هجدهم عمومی شد و در قرن نوزدهم، با اندکی اصلاح عملیاتی گردید (Bogart and Richardson, 2011: 248).

بوگارت و ریچاردسون (2011: 249-250) داده‌های مجلس را در مورد اقدامات مربوط به مسائل ارضی، مجوز قانونی و حصارکشی در بازهٔ سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۸۳۰ جمع‌آوری کرده‌اند. نمودار ۱، روندهای کلیدی را نشان می‌دهد. همچنین پیشرفت اندکی در قانون‌گذاری‌هایی وجود دارد که در فاصلهٔ سال‌های ۱۶۸۸ و ۱۷۰۰ به وجود آمد که از آنجا که در مقایسه با روند صعودی پس از ۱۷۵۰ می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، از داده‌ها حذف شده است (Pincus and Robinson, 2014: 203; Bogart, 2011). نتیجهٔ روشنی که از این داده‌ها به دست می‌آید آن است که اصلاح قانون‌گذاری در مورد حقوق مالکیت ارضی، در فاصلهٔ سال‌های ۱۷۰۰ تا حدود ۱۷۵۰، به آرامی پیش رفت و سپس به سبب اقدامات حصارکشی و مجوز قانونی، رشد چشم‌گیری داشت. افول قوانین وراثت انحصاری و واگذاری اجباری روندی آرام و پیوسته داشت که تا قرن نوزدهم ادامه داشت.

در مجموع، رهاسازی زمین از طریق آثار مشترک اقدامات ارضی و حصارکشی، برای فروش یا وثیقه‌گذاری، فرایندی بود که در انقلاب صنعتی پس از ۱۷۶۰ به خوبی گسترش یافت. در واقع، حذف عناصر فنودالیستی از قانون مالکیت فرایندی طولانی بود که پیش از ۱۶۸۸ آغاز شد و سال‌ها پس از آن ادامه یافت.

سبب بسیاری از این تغییرات، گروه‌های ذی‌نفع محلی و نیز خود مجلس بود. بسیاری از مالکان یا استفاده‌کنندگان دارایی غرامت دریافت کردند. آن‌طور که هوپیت (2011: 100)

به حقوق مالکیت برای عده‌ای از افراد به نفع بخش بزرگ‌تری از مردم، شامل لغو قانون برده‌داری و حذف حقوق خودکار تسلط شوهر بر اموال همسرش به واسطه ازدواج است (Hoppit, 2011; Hodgson, 2015a: 120-122). برخی گزارش‌های متمرکز بر نقش امنیت حقوق مالکیت این‌طور نشان می‌دهند که وقتی این حقوق در جای خود قرار بگیرند، نهادها به شکل کلان آماده‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری و کارآفرینی خواهند شد. درحالی‌که این درست نیست. حداقل در مورد انگلستان، مشکل عمده از اصلاح قوانین به‌خوبی تثبیت‌شده و امن حقوق مالکیت بود و نه تثبیت آن‌ها. به‌علاوه، شواهد نشان می‌دهند که تغییرات بزرگ‌تر در طبیعت حقوق مالکیت پس از سال ۱۷۵۰ به وقوع پیوستند.

۴. رشد اقتصادی و توازن قدرت طبقه‌ای

تغییر موازنه قدرت میان پادشاهی و مجلس و افزایش تعداد مجالس اگرچه ممکن است باعث افزایش احتمال توسعه نهادی تجارت بوده باشد، اما نمی‌تواند ظهور و قدرت‌گرفتن منافع شخصی‌ای که می‌توانست موجب تحمیل و عملی‌ساختن این تغییرات شود را توضیح دهد. مسئله حیاتی، رشد طبقه سرمایه‌دار درگیر در کسب‌وکار و تولید و اصیل‌زادگان صاحب زمین با تفکرات تجاری بود که بیش از آنکه بر کسب و قدرت فنودالی‌شان متمرکز باشند، بر تجارت و کسب سود تمرکز داشتند.^۳ منافع این گروه‌ها حامی اصلاحات مالی، اداری و مالکیتی بود که به توسعه تجارت و کسب‌وکار کمک نمود. از چه زمانی این طبقات اجتماعی وزن اقتصادی و اثربخشی بالقوه خود را عملی کردند؟ موضوع بحث عجم‌اوغلو و همکارانش (۲۰۱۵b) در این مورد است که بخشی از توسعه اقتصادی در بریتانیا و سایر نقاط دنیا توسط ظهور تجارت آتلانتیک^۴ از قرن شانزدهم تسریع یافت. این مسئله موجب تقویت قدرت سیاسی طبقه سرمایه‌دار و تسریع فرایند انباشتی^۵ اصلاحات نهادی شد. مباحث قدیمی‌تر همین خط فکری، در میان پژوهش‌های کیپولا^۶ (۱۹۶۵) و براودل^۷ (۱۹۸۴) یافت می‌شود. این پژوهش‌ها نقاط بازخورد مثبت و روندهای علی‌انباشتی و در نتیجه قدرت‌گرفتن طبقه سرمایه‌دار را تحلیل می‌کنند.

درگیرشدن بریتانیا در تجارت جهانی به شکلی گسترده‌ای در نیمه دوم قرن هفدهم افزایش یافت. مابین سال‌های ۱۶۴۰

اختراع بریتانیا در دوره سلطنت ملکه آن^۱ (در فاصله سال‌های ۱۷۰۲ تا ۱۷۱۴) ساماندهی شد و در دسترس قرار گرفت. اما تعداد اختراعات ثبت‌شده در سال، تا حدود سال ۱۷۶۰ که ناگهان شتاب فزاینده‌ای گرفت، افزایش چشمگیری پیدا نکرد (Sullivan, 1989; Dutton, 1984).

برای جمع‌بندی، مبحث برگرفته از نورث، در مورد تأمین امنیت حقوق مالکیت معنوی، چهار ایراد اساسی دارد: تاریخی؛ تحلیلی؛ انگیزشی؛ توزیعی. از لحاظ تاریخی، حقوق مالکیت غالباً در انگلستان قرن سیزدهم با اندک موارد سربازدن از پرداخت دیون و مصادره اموال توسط سلاطین قرون وسطی، فقط برای طبقه نجیب زادگان امن بودند. ضمن آنکه برخی از انواع حقوق مالکیت با افزایش قدرت مجلس، امنیت کمتری پیدا کردند؛ مانند حذف اجباری قانون وراثت انحصاری.

از جنبه تحلیلی، یکی از مشکلات کلان حقوق مالکیت قدیمی برای توانمندسازی نظام سرمایه‌داری، نه نامنی آن‌ها، بلکه طبیعت درهم‌تنیده فنودالی آن‌ها بود. به‌صورت مشخص، حق مالکیت به وارث بر املاک پدرش مانع از فروش چنین املاکی و استفاده از آن برای وثیقه وام می‌شد. درواقع می‌توان گفت مشکل از کمبود حقوق مالکیت نبود، بلکه زیادی این حقوق بود.^۲ از نظر انگیزشی، اثر منافع شخصی بر حفاظت از طبیعت فنودالی حقوق مالکیت ارضی نادیده گرفته می‌شد. طبقه نجیب‌زادگان از ثروت و قدرت عظیمی بهره‌مند بودند. بسیاری از نجبا و اصیل‌زادگان صاحب زمین، در برابر اصلاحات حقوق مالکیت ارضی، شامل حذف قوانین وراثت انحصاری و واگذاری اجباری، مقاومت می‌کردند. این منافع شخصی، بلافاصله پس از وقایع سال‌های ۱۶۸۸ تا ۱۶۸۹، از میان برداشته نشد. برای فراهم‌آوردن انگیزه‌های تجاری‌سازی زمین برای تقویت فرهنگ پول‌سازی، علاوه بر مسائل ذاتی حقوق مالکیت ارضی، تغییرات کلان نهادی لازم بود. این تغییرات تا پس از حدود سال ۱۶۸۹ اتفاق نیفتاد.

از زاویه مسائل توزیعی، شکوفایی کامل سرمایه‌داری نیازمند گسترش حقوق قانونی و لازم‌الاجرا، از دامنه محدود نجیب‌زادگان گرفته تا بخش بزرگ‌تر جامعه بود. چنین گسترشی غالباً با اصلاح حقوق موجود صاحبان بود و به همین دلیل از جانب آن‌ها با مقاومت روبه‌رو می‌شد. مثال‌های قرن نوزدهمی پایان‌بخشیدن

۳. مارکس (1976: 875-876) عنوان می‌کند که افزایش دستمزد کارگران نقطه شروعی بر سرمایه‌داری بود. وی معتقد است این توسعه از قرن شانزدهم رواج یافته است. در حقیقت، مسئله دستمزد کارگران در انگلستان از قرن پانزدهم برجسته بود (Hodgson, 2015a).

4. Atlantic

۵. منظور از فرایند انباشتی آن است که تغییر در یک نهاد، به‌صورت علی، تغییر در سایر نهادها را در پی دارد - م.

6. Cipolla

7. Braudel

1. Anne

۲. انبوه دعوی مالکیت، نسخه فنودالی مشکل «منافع غیرمشترک» در مسئله حقوق در هم پیچیده در نظام سرمایه‌داری مدرن است (Heller, 2008). [این مسئله که به تراژدی منافع غیرمشترک، معروف است، یک منبع (مانند منبع اطلاعات دانشمندان) صاحب چندین مالک است که اجازه دسترسی و استفاده از آن را به دیگران نمی‌دهند. در نقطه مقابل این مشکل، مسئله تراژدی منافع مشترک قرار دارد که برعکس، یک منبع دارای صاحبان بسیار زیادی است که تصمیم احتمالی آنها بر استفاده بیش از حد از منبع، موجب نابودی آن می‌گردد].

جدول ۱- زمین‌داران در مقابل تجار و تولیدکنندگان: درصد خانوار و سهم از درآمد ملی مابین سال‌های ۱۶۸۸ تا ۱۸۰۳
منبع: داده‌های انگلستان و ولز در پژوهش لیندرت و ویلیامسون (۱۹۸۲: ۳۹۳-۳۴۰)

زمین‌داران		تجار و تولیدکنندگان		
لردها، شوالیه‌ها و نجیب‌زادگان		بازرگانان، کاسبان، تولیدکنندگان، خانه‌سازان و معدن‌گران		
تاریخ پیمایش	درصد خانوار	درصد از درآمد ملی	درصد خانوار	درصد از درآمد ملی
۱۶۸۸	۱/۴	۱۶/۲	۲۷/۷	۳۷/۶
۱۷۵۹	۱/۲	۱۷/۶	۳۶/۸	۳۸/۵
۱۸۰۳-۱۸۰۱	۱/۲	۱۳/۹	۳۴/۰	۴۵/۵

تا ۱۷۰۰، میزان صادرات انگلستان تقریباً دوبرابر شد. در سال ۱۶۸۸، بریتانیا بزرگ‌ترین ناوگان دریایی تجاری اروپا را در اختیار داشت که حجم مبادلات خود را از ۲ میلیون تن در ۱۶۶۰ به ۳/۴ میلیون تن در ۱۶۸۶ افزایش داد (O'Gorman, 1997). تجارت برده توسعه یافت و تعداد بردگان منتقل شده از آفریقا، به کارائیب^۱ و آمریکای شمالی، از ۲۴۳۳۰۰ نفر در سال‌های ۱۶۷۶ تا ۱۷۰۰ به ۳۸۰۹۰۰ نفر در سال‌های ۱۷۰۱ تا ۱۷۲۵، به ۴۹۰۵۰۰ نفر در سال‌های ۱۷۲۶ تا ۱۷۵۰ و به ۸۵۹۱۰۰ نفر در سال‌های ۱۷۵۱ تا ۱۷۷۵ رسید (Eltis, 2001: 43)؛ اما همهٔ این گسترش‌ها پیش از ۱۶۸۸ اتفاق افتادند.

به‌خاطر جنگ‌های داخلی و سایر مناقشات، سرانهٔ تولید ناخالص ملی انگلستان در نیمهٔ اول قرن هفدهم، رشد کندی داشت، اما با پایان جنگ داخلی از سال ۱۶۴۹، رشد اقتصادی چشمگیری داشت. داده‌های محاسبه‌شده توسط برادبری^۲ و همکارانش (2015:199) نشان می‌دهد که سرانهٔ تولید ناخالص ملی از ۱۶۵۰ تا ۱۷۰۰، با نرخ متوسط ۰/۷۴ درصد در هر سال، رشد داشت. پس از ۱۷۶۰، رشد سرانهٔ تولید ناخالص ملی افزایش یافت؛ از ۱۷۶۰ تا ۱۷۸۰ به میزان ۰/۸۵ درصد، از ۱۷۸۰ تا ۱۸۰۱ به میزان ۱/۴۶ درصد و از ۱۸۰۱ تا ۱۸۳۰ به میزان ۱/۶۴ درصد در هر سال بود.

این اعداد نشان می‌دهند که سریع‌ترین میزان رشد، نه درست پس از سال ۱۶۸۸، بلکه در حدود ۱۷۶۰ آغاز شد. باید ظهور طبقهٔ سرمایه‌گذاران، بازرگانان، تولیدکنندگان و کشاورزان تجاری را در نظر داشت. لیندرت^۳ و ویلیامسون^۴ (۱۹۸۲):

تا ۱۷۰۰، میزان صادرات انگلستان تقریباً دوبرابر شد. در سال ۱۶۸۸، بریتانیا بزرگ‌ترین ناوگان دریایی تجاری اروپا را در اختیار داشت که حجم مبادلات خود را از ۲ میلیون تن در ۱۶۶۰ به ۳/۴ میلیون تن در ۱۶۸۶ افزایش داد (O'Gorman, 1997). تجارت برده توسعه یافت و تعداد بردگان منتقل شده از آفریقا، به کارائیب^۱ و آمریکای شمالی، از ۲۴۳۳۰۰ نفر در سال‌های ۱۶۷۶ تا ۱۷۰۰ به ۳۸۰۹۰۰ نفر در سال‌های ۱۷۰۱ تا ۱۷۲۵، به ۴۹۰۵۰۰ نفر در سال‌های ۱۷۲۶ تا ۱۷۵۰ و به ۸۵۹۱۰۰ نفر در سال‌های ۱۷۵۱ تا ۱۷۷۵ رسید (Eltis, 2001: 43)؛ اما همهٔ این گسترش‌ها پیش از ۱۶۸۸ اتفاق افتادند.

به‌خاطر جنگ‌های داخلی و سایر مناقشات، سرانهٔ تولید ناخالص ملی انگلستان در نیمهٔ اول قرن هفدهم، رشد کندی داشت، اما با پایان جنگ داخلی از سال ۱۶۴۹، رشد اقتصادی چشمگیری داشت. داده‌های محاسبه‌شده توسط برادبری^۲ و همکارانش (2015:199) نشان می‌دهد که سرانهٔ تولید ناخالص ملی از ۱۶۵۰ تا ۱۷۰۰، با نرخ متوسط ۰/۷۴ درصد در هر سال، رشد داشت. پس از ۱۷۶۰، رشد سرانهٔ تولید ناخالص ملی افزایش یافت؛ از ۱۷۶۰ تا ۱۷۸۰ به میزان ۰/۸۵ درصد، از ۱۷۸۰ تا ۱۸۰۱ به میزان ۱/۴۶ درصد و از ۱۸۰۱ تا ۱۸۳۰ به میزان ۱/۶۴ درصد در هر سال بود.

این اعداد نشان می‌دهند که سریع‌ترین میزان رشد، نه درست پس از سال ۱۶۸۸، بلکه در حدود ۱۷۶۰ آغاز شد. باید ظهور طبقهٔ سرمایه‌گذاران، بازرگانان، تولیدکنندگان و کشاورزان تجاری را در نظر داشت. لیندرت^۳ و ویلیامسون^۴ (۱۹۸۲):

6. Gregory

7. Joseph Massie

8. Patrick Colquhoun

۹. پیش از اقدام اصلاحی سال ۱۸۳۲، امتیاز انتخابات مجلس صرفاً به صاحبان زمین مرد محدود می‌شد. حدود ۴۰۰ هزار مرد به طور تخمینی (در حدود ۱۰ درصد از جمعیت مردان بزرگسال) در انگلستان و ولز (Phillips and Wetherell, 1995: 413).

1. Caribbean

2. Broadberry

۳. سایر مجموعه داده‌ها اگرچه تفاوت اندکی را به تصویر می‌کشند، اما هیچ تسریع رشد مشخصی را پس از ۱۶۸۹ نشان نمی‌دهند. اوگیلوی و کاروس (2014) شواهد رشد در بریتانیا را در قرون هفدهم و هجدهم بررسی کرده‌اند.

4. Lindert

5. Williamson

تا سهام‌داران کوچک هم وارد بنگاه‌های بازرگانی و تولیدی بشوند. حدود نیمی از کشتی‌های اقیانوس‌پیمای جهان در قرن هفدهم از آن هلند بود. این کشور کوچک بر بازارهای بین‌المللی سرمایه غالب شده بود تا اینکه بحران‌های سیاسی متوالی موجب سقوط جمهوری هلند در سال ۱۷۹۵ شد (Israel, 1989 de Vrie and van der Woude, 1997).

انفجار درخواست برای سهام افزایش داشت. حتی پیش از شکل‌گیری بانک انگلستان (Murphy, 2009). با تأمین مالی بازرگانان لندن، بانک انگلستان وام‌هایی را با ۸ درصد بهره به خزانه سلطنتی تخصیص داد که بازپرداخت آن از طریق مالیات و حقوق گمرکی ترتیب داده شده بود. این قروض سلطنتی برای بانک انگلستان در حکم دارایی مالی بود که پشتوانه آن امانت‌داری پادشاه بود. این دارایی‌ها مبنایی برای وام‌های انبوه بعدی‌ای شد که بانک تخصیص می‌داد. دولت در حجم زیاد قرض می‌گرفت و منافع اشراف‌زادگان، اصیل‌زادگان، تولیدکنندگان و بازرگانان را به هم پیوند می‌زد.

اطلاعات بازار بیش از گذشته در دسترس بود؛ تا سال ۱۶۹۸، اطلاعات قیمت سهام مرتب در لندن منتشر می‌شد (Morgan and Thomas, 1962). همچنین پس از ۱۶۸۸، موجی از شکل‌گیری شرکت‌های سهامی به راه افتاد. تا سال ۱۶۹۵، صد شرکت جدید با سرمایه مجموعاً ۴/۵ میلیون پوند تشکیل شد (Kindleberger, 1984: 196). در پی تشکیل بانک انگلستان، چندین بانک دیگر نیز تأسیس شدند که تعدادشان در دهه ۱۷۲۰، به حدود ۲۵ تا می‌رسید و تا ۱۷۷۰ به ۵۰ تارسید. پس از ۱۷۵۰، تعداد بسیار زیادی از بانک‌ها در استان‌ها ظاهر شدند (North and Weingast, 1989: 826).

پژوهش کوئین^۱ (2001: 613) در مورد حساب‌های یک بانکدار لندنی نشان می‌دهد که چگونه از ۱۶۸۰ تا ۱۷۰۵، سازوکارهای وام‌های خصوصی توسط انقلاب‌های دوگانه در نظام قدرت نهادی انگلستان و تأمین مالی عمومی تغییر شکل داد. بانکدارها و مشتریان‌شان شروع به استفاده از ابزارهای مالی بهبودیافته دولت برای تسهیل وام‌دهی کردند.

در ۱۶۹۰، اقتصاددان آینده‌نگر، نیکولاس باربن^۲ به تأسیس بانک ارضی ملی^۳ کمک کرد که وظیفه‌اش رهن‌گذاری مبتنی بر زمین بود. تا سال ۱۶۹۶، بانک ارضی آن‌قدر موفق بود که بانک انگلستان را تهدید کرد. البته، برخلاف نظر مجلس و خزانه‌داری، این طرح در نهایت از میان برداشته شد. کلافام^۴ (1966: 33-34) علت این شکست را وضعیت توسعه‌نیافته بازارهای پول و اوراق

بازرگانی و صنعت افزایش یافت، اما سهم آن‌ها در درآمد ملی رشد کمی داشت. این سهم پس از سال ۱۷۵۹ افزایش پیدا کرد. این پیمایش‌های اجتماعی نشان می‌دهد که اگرچه طبقه سرمایه‌داری هنگام انقلاب ۱۶۸۸ در اقتصاد نقش داشتند، اما حضور اقتصادی آن‌ها رشد چندانی تا ۷۰ سال بعد از آن نداشت؛ اما پس از آن اهمیت آن‌ها افزایش یافت. همچنین داده‌ها مشخص می‌کنند که تغییرات اجتماعی قاطعانه‌ای در دهه ۱۷۵۰ و پس از آن به وقوع پیوسته است. اگر امنیت حقوق مالکیت پیش از ۱۶۸۸، یک مسئله بزرگ برای بازرگانی و صنعت محسوب می‌شد که توسط توافقات سیاسی سال ۱۶۸۹ با بهبود روبه‌رو گردیده است، پس باید شاهد افزایش سهم اقتصاد، از بازرگانی و صنعت، در سال‌های دقیقاً پس از انقلاب می‌بودیم. داده‌های این پیمایش‌های اجتماعی با چنین فرضی مطابقت ندارد. علاوه بر این، اگر عدم امنیت حقوق مالکیت، مانع بزرگی بر سر راه رشد اقتصادی، پیش از انقلاب شکوهمند بوده است، پس چگونه می‌توان وزن قابل توجه رشد و اهمیت اقتصادی بازرگانی و صنعت را پیش از ۱۶۸۸ توضیح داد؟

با توجه به این مسئله، خواننده می‌تواند استنباط کند که شواهد، ادعای نورث و سایرین را در مورد نتایج اقتصادی انقلاب شکوهمند رد می‌کنند؛ اما چنین استنباطی اغراق‌آمیز است. ادامه این مقاله نشان می‌دهد که چگونه انقلاب ۱۶۸۸، جرقه مجموعه‌ای از رویدادهای زمینه‌ساز برای رشد، پس از سال ۱۷۶۰، را زده است.

برای این منظور، امروز رویدادهای مابین دهه ۱۶۹۰ تا ۱۷۵۰ ضروری می‌نماید. باید زنجیره‌ای از روابط علت و معلولی را شناسایی کرد که طبقه سرمایه‌دار سربرآورده پیش از ۱۶۸۸ را به تغییرات متعدد بعدی در حدود دهه ۱۷۵۰ وصل می‌کند. این تغییرات شامل تسریع قابل توجه رشد اقتصادی، افزایش سرعت اصلاحات در حقوق مالکیت ارضی و رشد سرعت در نوآوری بود. چنین زنجیره‌ای از روابط علت و معلولی می‌تواند ۱۶۸۸ را به انقلاب صنعتی آغاز شده در حدود ۱۷۶۰ متصل نماید.

۵. انقلاب‌های مالی و اداری

هلند در قرن هفدهم، یک نظام نسبتاً پیچیده تأمین مالی دولتی و خصوصی به‌وجود آورد. دولت توانست روش تأمین نسبتاً پایداری را برای منابع مالی، از طریق مالیات، بر اساس اینکه چه چیزی را می‌تواند قرض بگیرد، به‌دست آورد. هلند طیفی از دستگاه‌های نهادی برای سرمایه‌گذاری در تجارت، صنعت و زیرساخت‌ها را بسط داد. در این میان، دولت اوراق قرضه عمومی را در سطوح ملی، استانی و کلان‌شهرها منتشر می‌کرد و در میان شرکت‌های تجاری عمومی همچون «کمپانی هند شرقی هلندی» به اشتراک می‌گذارد. بازارهای مالی، شامل بازار بورس آمستردام، سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کردند. بازارهای سهام اجازه می‌دادند

1. Quinn

2. Nicholas Barbon

3. National Land Bank

4. Clapham

درگیری‌ها داشت. آنچه در ۱۶۸۹ تغییر کرد، توافقات کاربردی میان سلطنت و مجلس بود که نهایتاً در وقایع مشترک، خصوصاً هنگام سروکار داشتن با دشمنان خارجی، آن‌ها را در کنار هم نگه داشت. اگرچه کج خلقی‌های میان آنان در آن دوران سخت، در مباحث داخلی کم نبود، انقلاب ۱۶۸۹ درخواست‌های هر دو طرف شاه و عوام را بر سر نیازهای زمان جنگ، تأمین کرد. نورث و وینگست (1989) در مورد اهمیت انقلاب شکوهمند درست برداشت کرده‌اند، اما عللی که آن‌ها برای این اهمیت در نظر گرفته‌اند اشتباه است. این انقلاب در کوتاه‌مدت تأثیر کمی بر امنیت حقوق مالکیت داشت.

به شکلی تصادفی یا طراحی شده، برخی از معیارها به شکل غیرمستقیم، احتمال وجود مجلس منضبط را به خصوص در زمینه جنگ، افزایش داد. اعلامیه حقوق ۱۶۸۹ این مسئله را الزامی کرد که تشکیل ارتش دائمی در دوران صلح، بدون رضایت مجلس ممنوع باشد. در همان سال قانون شورش، برای کنترل نیروهای اسکاتلندی طغیانگر که به شاه جیمز سوم وفادار مانده بودند، تصویب شد. این قانون به پادشاه اجازه داد تا ارتشی دائمی را در جنگ یا صلح به مدت یک سال -و نه بیشتر- تشکیل دهد. با این حال، اگر کشور در حالت آماده‌باش جنگی باقی می‌ماند، مجلس موظف بود جلسات خود را سالیانه برگزار و قانون شورش را تجدید نماید (Winthrop, 1920: 19-20). قانون شورش جدیدی در هر سال تا سال ۱۸۷۹ مصوب می‌شد. علاوه بر این، توافقات مالی ۱۶۹۰ تأمین‌های مالی سلطنتی را که پیش از این مادام‌العمر اعطا می‌شدند، دارای محدودیت زمانی کرد (Roberts, 1977). این مسئله نیز موجب تقویت وابستگی پادشاهی به مجلس منضبط شد.

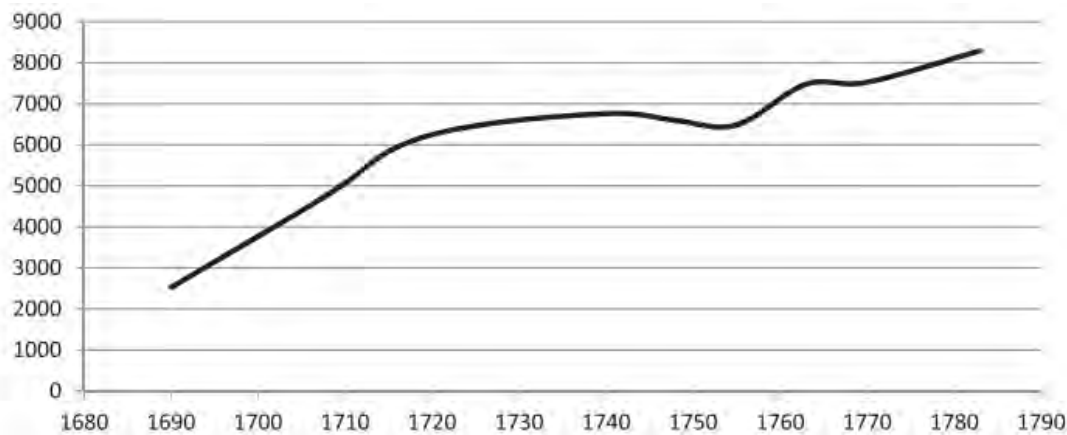
مجلس قادر شد افسار مالی پادشاه را کوتاه‌تر کند تا بتواند قروض دولت و اداره خود را کنترل نماید (Cox, 2012). نیازهای نظامی و مالی هم به مجلس کمک کردند تا سلطنت را تحت کنترل خود دریاورند. دولت به تحریک فعالیت‌های شرکتی بین‌المللی خود ادامه داد. پادشاه گروهی از اعتباردهندگان را در شرکت‌ها، همچون «کمپانی هند شرقی جدید» (۱۶۹۸)، «کمپانی هند شرقی متحده» (۱۷۰۸) و شرکت دریای جنوب (۱۷۰۸) ساماندهی کرد. حباب «دریای جنوب» در سال ۱۷۲۰ ورشکستگی شدیدی به‌بار آورد، اما نظام مالی در شکل کلی خود، بازیابی گردید. این دوره با گسترش امپراتوری بریتانیا مواجه بود. پیش از ۱۶۸۸، انگلستان مستعمرات بزرگی در آمریکای شمالی، کارائیب و آفریقای غربی داشت. تا سال ۱۷۶۳، بریتانیا محدوده‌های بزرگی در هند و شمال آفریقا را تصرف کرد که موجب برپایی یک پایگاه مدیرانه‌ای استراتژیک در جبل الطارق شد. رشد برده‌داری بخش دیگری از افزایش فعالیت‌های تجاری بریتانیا از دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۷۶۰ بود. به شکلی وسیع‌تر، همان‌طور

قرضه در آن زمان معرفی می‌کند. چندین دهه طول کشید تا نهادی مالی تأسیس گردد که توسط آن بتوان زمین‌های دردسترس را به سهولت به رهن گذاشت. علاوه بر این، همان‌طور که در بخش ۳ نشان داده شد، امکان وثیقه‌گذاری چنین زمین‌هایی در آن زمان وجود نداشت. تغییرات بعدی در وضعیت مالکیت زمین الزامی، اما ظهور آن تا دهه ۱۷۵۰ کند بود.

بخش زیادی از نیروی محرکه دولت که باعث می‌شد در توسعه نظام مالی بریتانیا در قرن هجدهم به شدت دخالت کند، نیاز به تأمین مالی برای جنگ‌های خارجی بود (Bowen, 1995: 5; Carruthers, 1996; Mann, 1986: 485-486). انگلستان به دلیل متحدان و دشمنان جدید بین‌المللی، در یک دوره طولانی جنگ افتاد که کشور را به اصلاح مناسبات مالی و اداری اش واداشت. پس از جنگ ۹ ساله (سال‌های ۱۶۸۸ تا ۱۶۹۷)، به سرعت جنگ جانشینی اسپانیا آغاز شد (سال‌های ۱۷۰۱ تا ۱۷۱۳). براندازی استوارت‌ها در انقلاب ۱۶۸۸ به شورش‌های جکوبایت در سال‌های ۱۷۱۵ و ۱۷۴۵ انجامید. جنگ‌های اتحاد چهارگانه (۱۷۱۸ تا ۱۷۲۰)، جنگ انگلیس - اسپانیا (سال‌های ۱۷۲۷ تا ۱۷۲۹)، جنگ جانشینی اتریش (مابین ۱۷۴۰ و ۱۷۴۸) و جنگ جهانی هفت‌ساله ۱۷۵۶ و ۱۷۶۳ نیز بود. بریتانیا در ۴۵ سال از ۷۶ سال (۱۶۸۸ تا ۱۷۶۳) به صورت پی‌درپی، دست‌کم با یک قدرت برتر جهان درگیر جنگ بود.

مسائل مالی و تأمین بودجه برای جنگ به شکل معناداری به یکدیگر رابطه دارند. همان‌طور که کاروتز (1996: 8) اشاره کرده است، در سال ۱۶۷۲، اگرچه معاملاتی بر سر سهام وجود داشت، هیچ بازار سهام ساماندهی شده‌ای وجود نداشت و انگلستان دارای دولت ملی ضعیف و قدرت نظامی درجه دو بود. تنها ۴۰ سال بعد، در ۱۷۱۲، سهام بسیاری از شرکت‌های سهامی به شکلی فعال و بسیار سازمان‌دهی شده در بازار سرمایه لندن ظهور کرد. از این گذشته، بریتانیای کبیر تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی اروپا شد و با موفقیت جلوگسترش فرانسه را گرفت. در برابر ادعای نورث و وینگست (1989) در مورد اینکه توافقات سیاسی ۱۶۸۹ دولت را باثبات‌تر کرد، پینکس و رابینسون (2014: 199) می‌نویسند: «بسیار دور از این تفکر که به دولت قابلیت پیش‌بینی بیشتری ببخشد، با شواهد اثبات می‌شود که انقلاب ۱۶۸۸ یکی از دوره‌های به‌شدت قطعی شده و ناپایدار تاریخ انگلستان و بریتانیا است». مرثیه جنگ و طغیان از سال ۱۶۸۸ تا ۱۷۶۳ بر این حقیقت صحنه می‌گذارد.

البته جنگ‌های زیادی پیش از سال ۱۶۸۸ اتفاق افتاده بود. برای مثال، در سال‌های پس از بازگردانی پادشاه، جنگ‌های دوم (۱۶۶۵ تا ۱۶۶۷) و سوم (۱۶۷۲ تا ۱۶۷۴) میان انگلیس و هلند اتفاق افتاد؛ اما سلطنت معمولاً مشکلاتی برای تأمین بودجه آن



نمودار ۲: کارمندان اداری تمام وقت دولت مالی، ۱۶۹۰ تا ۱۷۸۳
منبع: داده‌های بریور (1988: 66)

موجب تقویت جنگ می‌شد. توافقات ۱۶۸۹، اجماع سیاسی را تقویت و بنیانی را برای یک دولت مالی کارا خلق کرد (Roseveare, 1991). در ۱۶۹۲، مجلس طرح مالیات ارضی ملی را معرفی نمود. مالیات بر اساس پنجره در ۱۶۶۹ معرفی گردید؛ اما بخش اعظم درآمد دولت از طریق حق گمرک و مالیات غیرمستقیم تأمین می‌شد که با رشد قدرت و تجارت بریتانیا با خارج از مرزها، افزایش یافت (Mathias, 1983: 428). نمودار ۳، درآمد مجموع مالیات را به‌عنوان بخشی از درآمد ملی در سال‌های ۱۶۷۰ تا ۱۸۱۰ نمایش می‌دهد. رشد قابل توجهی از ۱۶۸۰ تا ۱۶۹۰ اتفاق افتاد و سپس تا ۱۷۰۰ ادامه یافت. در نتیجه، با فشار جنگ و به‌عنوان پیامدی از توافقات ۱۶۸۹، دولت توانست درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد و سهم مالیات از درآمد ملی به بیش از دو برابر رسید. از قضا واضح‌ترین و سریع‌ترین اثر، ۱۶۸۸ نه بر رشد رقابت آزاد، که در گسترش قابل تأمل بوروکراسی و مالیات‌بندی دولت بود.

انقلاب مالی یک فرایند طولانی بود که دهه‌های متمادی به طول انجامید و با چندین مرحله قانون‌گذاری، شامل تغییر قوانین مربوط به بهره و فروش بدهی و توسعه ساختارهای سازمانی و روابط تجاری جدید مواجه شد. استفاده زیاد از بدهی منجر به عدم ثبات، و به همان اندازه، رشد گردید (همان‌طور که حباب دریای جنوب در سال ۱۷۲۰ نمایان بود) و تمین^۲ و ووث^۳ (2005) شواهدی را فراهم کرده‌اند که نشان می‌دهد مقادیری که دولت در زمان جنگ قرض می‌گرفت، سبب ایجاد اثر

که پاتریک اوبراین (2006: 14) اشاره می‌کند: «با توقف جنگ هفت ساله، چیزی نزدیک به نصف نیروی کار کشور (جداشده از کشاورزی) مستقیم یا غیرمستقیم، برای امرار معاش خود وابسته به بازارهای خارجی بودند». از سال ۱۶۸۷ تا ۱۷۰۳ تعداد کارگران استخدام‌شده در عرشه کشتی‌ها بیش از چهار برابر شد. دنیل دفو در همان زمان اشاره می‌کند که: «از برخی جنبه‌ها، نیروی دریایی بزرگ‌ترین صنعت کشور است» (Hill, 1961: 230). به افراد بیشتری برای اداره ماشین جنگ در حال پیشروی و دریافت مالیات برای تأمین بودجه نیاز بود. نیازهای جنگ، فشارهای آمیخته بازرگانی داخلی و جهانی، نیروهای عظیمی بودند که پشت‌سر توسعه و اصلاح نهادهای مالی و نظام اداری دولت قرار داشتند (O'Brien, 2011). انقلاب شکوهمند و تناقضات بین‌المللی تابعه، موجب تغییر حالت‌های بزرگ در دستگاه دولت، شامل اقدام اتحاد با اسکاتلند در سال ۱۷۰۷ شدند. همان‌طور که روزویر^۱ (4: 1991) اشاره می‌کند، همراه‌کردن تغییرات مالی و سیاسی، پس از ۱۶۸۸ یک «انقلاب اداری یا دست کم، رشدی ضربتی در قدرت و بهره‌وری دولت بود که خود را نه تنها در جنگ که در وظایف حساس دوران صلح نمایان کرد».

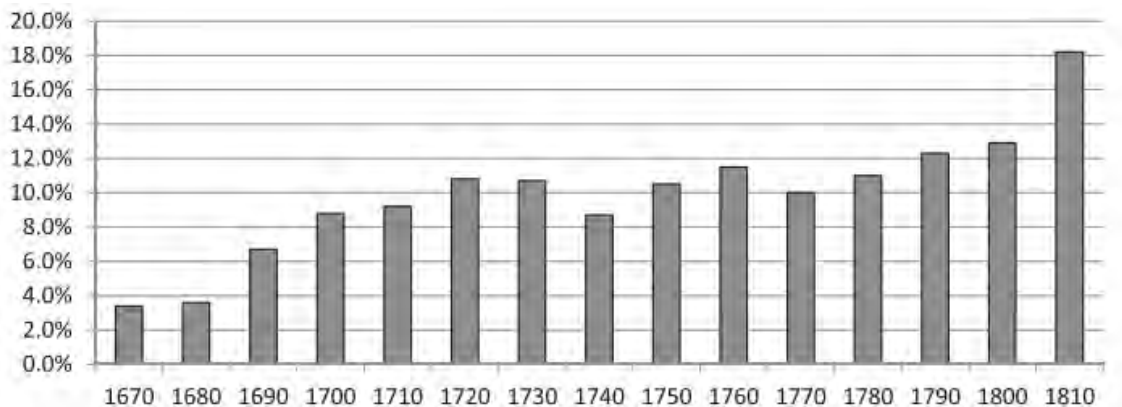
نمودار ۲، رشد تعداد کارمندان تمام وقت درگیر در بوروکراسی اداری، شامل گمرک، مالیات غیرمستقیم، اداره پست و خزانه‌داری را نمایش می‌دهد که رشدی قابل توجه از ۱۶۹۰ تا دهه ۱۷۲۰ — زمانی که اندازه بوروکراسی بیش از دو برابر شد — را نمایان می‌کند.

مدیریت دولت، پایگاه مالی قدرتمندی بنیان نهاد و رشد درآمدهای مالیاتی، خصوصاً در زمینه تأمین مالی،

2. Temin

3. Voth

1. Roseveare



نمودار ۳- سهم مجموع درآمد حاصل از مالیات از درآمد ملی، ۱۶۷۰ تا ۱۸۱۰
منبع: داده‌های اوبراین (3: 1988). همچنین اوبراین (428: 2011) و کاکس (576: 2012) را ملاحظه کنید

ازدحام خروج^۱ در بخش خصوصی شد. ولی در مجموع، اثر انقلاب مالی مثبت بود. بیش از همه، با تأسیس یک نظام بانکی مدرن، موجب افزایش امکان وام‌گیری و سرمایه‌گذاری گردید. شکوفهٔ این تغییرات نهادی در انقلاب صنعتی میوه داد. اینگم (70: 2008) با اشاره به تکامل تأمین مالی در ایتالیا، هلند و بریتانیا استنباط می‌کند که نظام پولی سرمایه‌داری از یکپارچگی شبکه‌های خصوصی اعتبار پولی بازرگانی تجاری با ارزش عمومی-یعنی پول دولت- توسعه یافت. از نظر اینگم (74: Ibid) و سایرین، نقطهٔ حیاتی این نظام، نقش بدهی بود: «نظام سرمایه‌داری در این ویژگی که یک سازوکار اجتماعی دارد که به وسیلهٔ آن روابط وام‌گیرنده-وام‌دهنده به شکلی عادی جریان پولی دارد، ممتاز است».

مسئلهٔ اساسی در توسعه نظام بانکی مدرن، ظهور نهادهایی بود که بدهی را قابل فروش یا انتقال‌پذیر^۲ می‌کردند. در نتیجه سفته‌ها قابل فروش به دیگران شد که تضمین قانونی را برای پرداخت آن فراهم می‌کرد. یکی از مشکلات کلیدی، لازم‌الاجرا بودن قانونی اثربخش است. برای انتقال‌پذیری عمومی، انتقال اوراق قرضه نیز باید از طریق نظام قانونی شناسایی و تأیید می‌شد. قراردادهای معمولاً تضمین‌های قانونی را برای تبادل خدمات و کالا در قبال پول، دخیل می‌کردند. در عوض، تبادل سفته، خرید را تضمین می‌کرد و اصالتاً به‌عنوان یک قرارداد صحیح در قانون شناخته نمی‌شد: فروش بدهی توسط تصدیق قانونی انتقال اوراق قرضه به خریدار آن تحریم نبود. بخش اعظمی از تغییرات قانونی برای عملی کردن این مسئله لازم بود.

ازدحام خروج^۱ در بخش خصوصی شد. ولی در مجموع، اثر انقلاب مالی مثبت بود. بیش از همه، با تأسیس یک نظام بانکی مدرن، موجب افزایش امکان وام‌گیری و سرمایه‌گذاری گردید. شکوفهٔ این تغییرات نهادی در انقلاب صنعتی میوه داد. اینگم (70: 2008) با اشاره به تکامل تأمین مالی در ایتالیا، هلند و بریتانیا استنباط می‌کند که نظام پولی سرمایه‌داری از یکپارچگی شبکه‌های خصوصی اعتبار پولی بازرگانی تجاری با ارزش عمومی-یعنی پول دولت- توسعه یافت. از نظر اینگم (74: Ibid) و سایرین، نقطهٔ حیاتی این نظام، نقش بدهی بود: «نظام سرمایه‌داری در این ویژگی که یک سازوکار اجتماعی دارد که به وسیلهٔ آن روابط وام‌گیرنده-وام‌دهنده به شکلی عادی جریان پولی دارد، ممتاز است».

مسئلهٔ اساسی در توسعه نظام بانکی مدرن، ظهور نهادهایی بود که بدهی را قابل فروش یا انتقال‌پذیر^۲ می‌کردند. در نتیجه سفته‌ها قابل فروش به دیگران شد که تضمین قانونی را برای پرداخت آن فراهم می‌کرد. یکی از مشکلات کلیدی، لازم‌الاجرا بودن قانونی اثربخش است. برای انتقال‌پذیری عمومی، انتقال اوراق قرضه نیز باید از طریق نظام قانونی شناسایی و تأیید می‌شد. قراردادهای معمولاً تضمین‌های قانونی را برای تبادل خدمات و کالا در قبال پول، دخیل می‌کردند. در عوض، تبادل سفته، خرید را تضمین می‌کرد و اصالتاً به‌عنوان یک قرارداد صحیح در قانون شناخته نمی‌شد: فروش بدهی توسط تصدیق قانونی انتقال اوراق قرضه به خریدار آن تحریم نبود. بخش اعظمی از تغییرات قانونی برای عملی کردن این مسئله لازم بود.

در قرن هفدهم، شکایت‌های حقوقی تجاری، از دادگاه‌های قانونی بازرگانی به دادگاه‌های قانونی عمومی نقل مکان کردند

«اگر از ما سؤال می‌شد-چه کسی مهم‌ترین اکتشافی که بر آینده نسل انسان عمیق‌ترین تأثیر را گذاشته است انجام داده؟ ما فکر می‌کنیم و پس از ملاحظات زیاد، با اطمینان پاسخ می‌دهیم-کسی که اول بار دریافت که بدهی، یک کالای قابل فروش است»^۳.

کاربرد این اکتشاف، نیاز به مؤسسات قانونی با پشتوانه و تثبیت داشت که اقدام مجلس را طلب می‌کرد؛ اما سرانجام، نظام نوظهور سرمایه‌داری به این ترتیب موجب تقویت توسعهٔ اقتصادی در مقیاس انبوه شد.

تأمین مالی سرمایه‌داری شامل بافت پیچیده‌ای از تعهدات قراردادی است. بانک‌های تجاری از قرن چهاردهم با

3. William

۴. مک‌کلود (477-476: 1858) اصطلاح «قانون گریشام» یا "Gresham's Law" را که طبق آن پول بد (یا ارزان، مانند نقره) پول خوب (یا گران، مانند طلا) را از جریان خارج می‌کند؛ زیرا مردم پول بد را خرج می‌کنند و پول خوب را نگه می‌دارند [را ابداع کرد. میشل اینس (9: 1914) او را مؤلف نظریه حکومتی پول می‌داند که اعتبار پول را از سمت ناشر آن و نه روابط میان مبادله‌گران، قلمداد می‌کند]. شو مپیتر (718: 1954) او را با مارکس (xraM) در مورد پیشرفت نظام‌مند نظریه اعتباری پول مقایسه می‌نماید.

۱. تأثیر فعالیت دولت بر کاهش فعالیت‌های بخش خصوصی هنگامی روی می‌دهد که کسری بودجه دولت باعث شود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش یابد؛ زیرا در این صورت دولت با انتشار اوراق قرضه پس‌اندازهای مردم را جذب می‌کند.

2. Negotiability

که بر پایه دارایی قابل وثیقه‌گذاری، بدهی قابل انتقال، تجارت جهانی و قدرت دولت استوار بود.

نتیجه‌گیری: از تجدیدنظر تا بازسازی

انقلاب شکوهمند هیچ قانونی در زمینه دارایی به وجود نیاورد و احکام معدودی را برای نقش مجلس ایجاد نمود. امنیت حقوق مالکیت را افزایش نداد و منجر به افزایش بلافاصله سرعت رشد اقتصادی یا رشد در وزن اقتصادی سرمایه‌داری نگردید؛ اما دو تأثیر اساسی داشت.

اول اینکه، آن‌گونه که در طبیعت و سرعت قانون‌گذاری‌های پس از ۱۶۸۹ مشهود است، تغییری در توازن غیررسمی قدرت میان سلطنت و مجلس رقم خورد. همان‌طور که نورث و دیگران تأکید می‌کنند، این قدرت متقابل موجب ایجاد موانع مهمی بر سر راه قدرت‌های پادشاهی شد. با این حال، این تغییر برای به‌وقوع پیوستن اصلاحات مرتبط با دارایی و تأمین مالی با هدف حمایت از ظهور اقتصاد سرمایه‌داری ناکافی بود. قدرت و انگیزش یک طبقه سرمایه‌دار، به‌منظور غلبه بر منافع شخصی، در حقوق مالکیت نیمه‌فئودالی موجود نیاز بود. این واقعه تا مدت‌ها پس از سال ۱۶۸۸ اتفاق نیفتاد.

دوم، انقلاب ۱۶۸۸ به تغییراتی بزرگ در متحدین خارجی جهت داد و تعدادی از جنگ‌های بزرگ، از جمله جنگ هفت ساله ۱۷۵۵ تا ۱۷۶۳ را رقم زد. با توجه به نقش تسهیل‌گر غیررسمی مجلس، منازعات بین‌المللی، دولت بریتانیا را وادار به اصلاحات و جذب سرمایه برای تأمین مالی جنگ نمود. انقلاب‌های مالی و اداری ابتدای قرن هجدهم اولین برآمدهای ۱۶۸۸ هستند. لذا این نیازهای مالی و نظامی، بود که عزم لازم را برای تغییرات ۱۶۸۸ تا ۱۷۵۰ فراهم آورد، نه ظهور طبقه سرمایه‌دار.

اما تغییرات نهادی، به شکل مشخص در حیطه قانون و سیاست، با تقاضاهای مرتبط با تولید صنعتی جنگ ترکیب شد و سرانجام رشدی در وزن و تأثیر طبقه‌های بازرگانی و صنعتی که از گسترش تجارت و امپراطوری بریتانیا منتفع می‌شدند را رقم زد. این نتایج اجتماعی-اقتصادی از ۱۷۶۰ قابل تشخیص بودند. وقتی جهش صنعتی پس از ۱۷۶۰ سرعت یافت، فشار اصلاحات حقوق مالکیت ارضی را افزایش داد تا بتوان از زمین به‌عنوان وثیقه برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و بازرگانی استفاده نمود. فرصت‌های پولی جدید بر مقاومت صاحبان زمین محافظه‌کار علیه اصلاحات، غلبه کرد. درحالی‌که بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های صنعتی خود حاصل عایدی‌های موجود بودند، چنین منابعی بعضاً ناکافی یا غیرقابل اتکا محسوب می‌شدند. برخی بنگاه‌ها سهام منتشر کردند. سایر تأمین‌های مالی برای سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر صنعتی، از میان بستگان، دوستان، واسطه‌ها یا بانک‌ها جذب می‌شد که در مواردی نیاز به زمین یا سایر انواع وثیقه برای

نگه‌داشتن تنها کسری از سپرده خود در قالب طلا یا وجه نقد، با رشد فزاینده‌ای عملیاتی شدند. «بانکداری ذخیره کسری»^۱ از آنجاکه تأمین پول را در مقیاسی بیش از صرفاً سپرده‌ها گسترش می‌دهد، اثری انباشتی بر خلق پول توسط بانک‌های بازرگانی دارد. مالک هرگونه وامی که توسط دارایی‌های جاری یا اظهارنامه تأمین می‌گردد، یک شخص ثالث است. خریدار بدهی، حتی را بر یک دارایی دریافت می‌کند که از همان دارایی می‌توان به عنوان وثیقه وام استفاده نمود (Veblen, 1904: 149, 113). در نتیجه، پول اعتباری از خودش اعتبار می‌گیرد: پول بانک تجاری از یک سرچشمه داخلی خلق می‌گردد (Moore, 1988 Wray, 2012). انگار که در تناقض با قوانین محافظه‌کارانه فیزیک، بانک می‌تواند پول بیشتری از «هیچ» خلق کند (Schumpeter, 1934: 73).

اما چنین چیزی به زیرساختی قانونی برای لازم‌الاجرا بودن نیاز دارد. یک نظام ذخیره کسری که توسط بخش دولتی و خصوصی تضمین می‌گردد و اطمینان کافی دارد که بدهی برگشت‌پذیر خواهد بود. در بریتانیا، هنگامی که نهادهای قانونی حامی دارایی قابل وثیقه‌گذاری، پول اعتباری و فروش بدهی شکل گرفتند، جنبش جدیدی به‌وجود آمد.

بحث به شکل خلاصه این است. تکامل نظام مالی در نیمه اول قرن هجدهم، اجرای پروژه‌های صنعتی و زیرساختی بیشتر و بیشتری را بر اساس اعطای وام‌های کلان تسهیل نمود. این پروژه‌ها موجب راه‌افتادن روند دیگری از سلسله علی‌انباشتی و بازخورد مثبت گردید که در دهه ۱۷۵۰ قابل مشاهده بودند. هنگامی که سودآوری سرمایه‌گذاری‌های با مقیاس کلان به چشم آمد، صاحبان زمین سرمایه‌دار و سایر سرمایه‌گذاران در سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر بعدی درگیر شدند. رشد فرصت‌های سودآوری، تعهدات خانوادگی طولانی‌مدت و عاطفی آن‌ها را از بین برد. این مسئله سبب حذف قوانین واگذاری اجباری و وراثت انحصاری شد که در نتیجه زمین قابلیت استفاده به‌عنوان وثیقه وام را پیدا نمود که اصلاحات کلان سرمایه‌داری در حقوق مالکیت ارضی را پیش از انقلاب صنعتی به دنبال داشت. در نتیجه، تغییرات نهادی در قرن هجدهم، سهم دارایی قابل استفاده به‌عنوان وثیقه را، که موجب خلق فرصت برای وام‌های فزاینده شدند، افزایش داد. رشد انگیزه‌ها و فرصت‌های وام‌گیری در کنار توسعه پس از تنظیمات ۱۶۹۴ در نظام پولی بدهی محور مبتنی بر اوراق قابل انتقال، بازار بدهی را بزرگ نموده و سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری را رونق بخشید. یک نظام مدرن مالی توسعه یافت

۱. بانکداری ذخیره کسری (Fractional Reserve Banking) نظامی است که در آن «ذخیره» بانک تنها «کسری» از تمامی حساب‌های مشتریان است. در این سیستم بیشتر واریزی‌ها به بانک، به بیرون قرض داده می‌شوند و تنها کسری از آن‌ها برای جبران موجودی حساب‌های مشتریان نگهداری می‌شود - م.

بر خلق اعتبار دلالت دارد». پول بر مبنای وثیقه قرض گرفته می‌شود. با این حال این جنبه از دارایی در بسیاری از مباحث اقتصاد حقوق مالکیت نادیده گرفته شده که جای آن بر مفهوم نظارت بر مالکیت تمرکز دارند. شومپتر (1954: 78) بر اهمیت ضمایم مالی تولید و تجارت در سرمایه‌داری تأکید می‌کند؛ بنابراین توسعه در قانون و عمل در مورد اوراق قابل انتقال و ایجاد سپرده‌های «خلق شده» احتمالاً بهترین شاخصی است که برای تاریخ‌نگاری ظهور نظام سرمایه‌داری در دست داریم.

این مقاله توسعه‌های کلیدی نهادهای مالی در دهه‌های آغازین قرن هجدهم را جایابی کرده است. چنین تغییرات نهادی با عملکردهای مالی و اداری دولت همراه شد و حلقه‌ای مفقوده میان انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸، ظهور نهادهای مالی سرمایه‌داری و آغاز انقلاب صنعتی حدود سال ۱۷۶۰ را نمایان نمود.

اگر چنین تجزیه و تحلیلی در توسعه نظام سرمایه‌داری، کشورهایی به جز بریتانیا را نیز شامل شود، آنگاه می‌توان پیشنهاد داد که ساختار مدیریت دولت که می‌تواند بر یک نظام مالی مدرن و استفاده امن از دارایی‌های خصوصی به‌عنوان وثیقه، قوام ببخشد، پیش‌نیاز مهمی برای رشد سریع اقتصادی است. در نتیجه تأکید بر «امنیت حقوق مالکیت» برای توسعه کشورها کافی نیست. باید طبیعت دارایی و روابطش با تأمین مالی و سیاست بهتر درک شود.

منابع

- سایکس، پرس. (۱۳۳۶)، سفرنامه ژنرال سر پرسایکس یا ده هزار مایل در ایران، چاپ دوم. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- عجم اوغلو، دارون و رابینسون، جیمز. (۱۳۹۰)، ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی، چاپ اول. ترجمه جعفر خیرخواهان و علی سرزعی. تهران: انتشارات کویر.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، چاپ اول. ترجمه محمدرضا معینی. تهران: انتشارات مرکز مدارک و انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۷۹)، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، چاپ اول. ترجمه غلامرضا آزاد. تهران: نشر نی.

Acemoglu, D., S. Johnson and J. A. Robinson (2005a), 'Institutions as a Fundamental Cause of Long-Run Growth', in Philippe Aghion and Steven N. Durlauf (eds.), *Handbook of Economic Growth: Volume IA*, North Holland: Elsevier, pp. 385–472.

Acemoglu, D., S. Johnson and J. A. Robinson (2005b), 'The Rise of Europe: Atlantic Trade, Institutional Change and Economic Growth', *American Economic Review*, 95(3): 546–

tضمین قرض گرفته‌شده داشت (Crouzet, 1990; Heaton, 1937; King and Timmins, 2001: 114-120; Mathias, 1983: 130-136).

اشتون^۱ (26: 1995) هنگامی که از مرحله اول انقلاب می‌نویسد، نتیجه می‌گیرد: «درست است که تأمین مالی شخصی از ویژگی‌های برجسته این دوره محسوب می‌شود، اما اشتباه است که آن را جهانی یا بازار سرمایه را محدود به آن در نظر بگیریم». همان‌طور که ماتیس (135: 1983) تأکید می‌کند: «در انگلستان قرن هجدهم، املاک موروثی بهترین نمونه دارایی‌های دارای امنیت محسوب می‌شدند و بازار رهن و وام یکی از بهره‌ورترین بخش‌های ساماندهی شده بازار سرمایه به‌شمار می‌آمد».

مثلاً مؤسسه بولتون و وات^۲ تأسیس شده در ۱۷۵۵ و مشهور به خاطر تولید موتورهای بخار- زمین و سایر دارایی‌های خود را به‌عنوان ضمانت در رهن گذاشتند تا وام‌هایی برای بنگاه نوظهور خود بگیرد (ژل^۳، ۱۹۳۰، صفحات ۱۰۵-۱۰۷).

شبیبه به این مورد، آن زمان، گاهی از رهن هم در کنار انتشار سهام، برای کمک به تأمین مالی ساخت کانال آب استفاده می‌شد (Ward, 1974: 35, 116).

گزارش حاضر، رشد تأمین مالی را در مرکز توجه برای توصیف ظهور نظام سرمایه‌داری قرار می‌دهد. نه بنیان نهادن حقوق مالکیت دارای امنیت (نورث) و نه ظهور طبقه اجتماعی سرمایه‌داری که کارگران دستمزد بگیر استفاده کنند (مارکس) دقیقاً دوره ۱۶۸۸ تا ۱۷۵۰ را توصیف نمی‌کنند. اگرچه حقوق مالکیت امن، تجارت و کارگران دستمزدی را می‌توان به‌عنوان ویژگی‌های الزامی سرمایه‌داری معرفی کرد، برای تعریف نظام سرمایه‌داری، ناکافی هستند. در هسته سرمایه‌داری -آن‌گونه که در قرن هجدهم ظهور کرد- مجموعه‌ای از نهادهای مالی بر پایه دارایی‌های قابل وثیقه‌گذاری و خلق اعتبار وجود دارند. این نهادها در نظام مالی معمولاً توسط دولت مستحکم می‌گردند (Hodgson, 2015a; Ingham, 2008).

آن‌طور که شومپتر (223: 1939) اشاره می‌کند: «سرمایه‌داری آن شکلی از اقتصاد مالکیت خصوصی است که به شکل عمده...

1. Ashton
2. Boulton and Watt
3. Roll

۴. گزارشی جامع‌تر از وسعت استفاده از وثیقه برای تأمین مالی پروژه‌های اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، موضوع پژوهش دیگری در آینده باید باشد. توجه چندانی به این موضوع نشده است، چراکه شناخت اهمیت وثیقه‌پذیری ناکافی بوده و همچنین اختلاف‌نظر زیادی در میان اقتصاددانان در مورد مفهوم «سرمایه»، به‌عنوان چیزهایی مثل ماشین‌آلات، و «سرمایه» به‌عنوان ابزار تأمین مالی وجود دارد. سرمایه می‌تواند وسیله‌ای برای خرید ماشین‌آلات باشد یا از ارزش همان ماشین‌آلات به‌عنوان سرمایه، می‌توان به‌عنوان وثیقه برای جذب وام‌های بعدی استفاده کرد (Hodgson, 2014; 2015a; 2015b; Veblen, 1908).

- Berman, H. J. (2003), *Law and Revolution II: The Impact of the Protestant Reformations on the Western Legal Tradition*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Beutel, F. K. (1938), 'The Development of Negotiable Instruments in Early English Law', *Harvard Law Review*, **51**(5): 813-845.
- Bogart, D. (2005), 'Did Turnpike Trusts Increase Transportation Investment in Eighteenth Century England?', *Journal of Economic History*, **65**(2): 439-68.
- Bogart, D. (2011), 'Did the Glorious Revolution Contribute to the Transport Revolution? Evidence from Investment in Roads and Rivers', *Economic History Review*, **64**(4): 1073-1112.
- Bogart, D. and G. Richardson (2011), 'Property Rights and Parliament in Industrializing Britain', *Journal of Law and Economics*, **54**(2): 241-274.
- Bowen, H. V. (1995), 'The Bank of England During the Long Eighteenth Century: 1694-1815,' in Richard Roberts and David Kynaston (eds.), *The Bank of England*, Oxford and New York: Oxford University Press, pp. 1-18
- Braudel, F. (1984), *Civilization and Capitalism, 15th-18th Century, Vol. 3, The Perspective of the World*, London: Collins.
- Brewer, J. (1988), *The Sinews of Power: War, Money and the English State, 1688-1783*, New York: Knopf.
- Broadberry, S. N., Bruce M. S. Campbell, A. Klein, M. Overton and Bas van Leeuwen (2015), *British Economic Growth 1270-1870: An Output-Based Approach*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Carruthers, B. G. (1996), *City of Capital: Politics and Markets in the English Financial Revolution*, Princeton, NJ and Chichester, UK: Princeton University Press.
- Castor, H. (2006), *Blood and Roses: One Family's Struggle and Triumph during the Tumultuous Wars of the Roses*, New York: Harper Collins.
- 579.
- Acemoglu, D. and J. A. Robinson (2012), *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty*, New York: Random House and London: Profile.
- Alchian, A. A. (1965), 'Some Economics of Property Rights', *Il Politico*, **30**, pp. 816-829. Reprinted in A. A. Alchian (1977), *Economic Forces at Work*, Indianapolis: Liberty Press, pp. 127-149.
- Allen, D. W. (2012), *The Institutional Revolution: Measurement and the Economic Emergence of the Modern World*, Chicago: University of Chicago Press.
- Allen, R. C. (2009), *The British Industrial Revolution in Global Perspective*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Angeles, L. (2011), 'Institutions, Property Rights, and Economic Development in Historical Perspective', *Kyklos*, **64**(2): 157-77.
- Arrunada, B. (2016), 'Coase and the Departure from Property', in M. Claude and B. Elodie ~ (eds.), *The Elgar Companion to Ronald H. Coase*, Cheltenham, UK and Northampton, MA: Edward Elgar, pp. 305-319.
- Ashton, T. S. (1955), *An Economic History of England: The Eighteenth Century*, London: Methuen.
- Bagehot, W. (1919), *Lombard Street: A Description of the Money Market*, (1st edn 1873), London: Murray.
- Baker, J. H. (1979), 'The Law Merchant and the Common Law before 1700', *Cambridge Law Journal*, **38**(2): 295-322.
- Bank of England (1970), *The Bank of England: History and Functions*, Debden: Gordon Chalmers Fortin.
- Barzel, Y. (1989), *Economic Analysis of Property Rights*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Berman, H. J. (1983), *Law and Revolution: The Formation of the Western Legal Tradition*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

- in England: A Study in the Development of Public Credit, 1688-1756*, London: Macmillan.
- Dutton, H. I. (1984), *The Patent System and Inventive Activity during the Industrial Revolution, 1750-1852*, Manchester: Manchester University Press.
- Eltis, D. (2001), 'The Volume and Structure of the Transatlantic Slave Trade: A Reassessment', *William and Mary Quarterly*, **58**(1): 17-46.
- English, B. and John Saville (1983), *Strict Settlement: A Guide for Historians*, Hull: University of Hull Press.
- Epstein, S. R. (2000), *Freedom and Growth: The Rise of States and Markets in Europe, 1300-1750*, London and New York: Routledge
- Eric, R. (1930), *An Early Experiment in Industrial Organisation: Being a History of the Firm of Boulton and Watt 1775-1805*, Abingdon: Frank Cass.
- Heaton, H. (1937), 'Financing the Industrial Revolution', *Bulletin of the Business Historical Society*, **11**(1), 1-10.
- Heinsohn, G. and O. Steiger (2013), *Ownership Economics: On the Foundations of Interest, Money, Markets, Business Cycles and Economic Development*, Frank Decker (ed.), London and New York: Routledge.
- Heller, M. A. (2008), *The Gridlock Economy: How Too Much Ownership Wrecks Markets, Stops Innovation, and Costs Lives*, New York: Basic Books.
- Hill, C. (1961), *The Century of Revolution 1603-1714*, London: Van Nostrand Reinhold.
- Hodgson, G. M. (2014), 'What is Capital? Economists and Sociologists have Changed its Meaning - Should it be Changed Back?', *Cambridge Journal of Economics*, **38**(5): 1063-1086.
- Hodgson, G. M. (2015a), *Conceptualizing Capitalism: Institutions, Evolution, Future*, Chicago: University of Chicago Press.
- Hodgson, G. M. (2015b), 'Much of the "Economics of Property Rights" Devalues Property and Legal Rights', *Journal of*
- Cipolla, C. M. (1965), *Guns, Sails and Empires: Technological Innovation and the Early Phases of European Expansion, 1400-1700*, New York: Pantheon.
- Clapham, J. H. (1966), *The Bank of England: A History. Volume One, 1694-1797*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Clark, G. (1996), 'The Political Foundations of Modern Economic Growth: England, 1540-1800', *Journal of Interdisciplinary History*, **26**(4): 563-588.
- Clark, G. (2007), *A Farewell to Alms: A Brief Economic History of the World*, Princeton: Princeton University Press.
- Cole, D. H. (2015), "'Economic Property Rights" as "Nonsense upon Stilts": A Comment on Hodgson's Article', *Journal of Institutional Economics*, **11**(4): 725-730.
- Cole, D. H. and P. Z. Grossman (2002), 'The Meaning of Property Rights: Law versus Economics?', *Land Economics*, **78**(3): 317-330.
- Commons, J. R. (1934), *Institutional Economics - Its Place in Political Economy*, New York: Macmillan.
- Cox, G. W. (2012), 'Was the Glorious Revolution a Constitutional Watershed', *Journal of Economic History*, **72**(3): 567-600.
- Cox, G. W. (2016), *Marketing Sovereign Promises: Monopoly Brokerage and the Growth of the English State*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Crouzet, F. (1990), *Britain Ascendant: Comparative Studies in Franco-British Economic History*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- De Soto, H. (2000), *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*, New York: Basic Books.
- Deakin, S., Gindis, D., G. M. Hodgson, Kainan Huang and K. Pistor (2016), 'Legal Institutionalism: Capitalism and the Constitutive Role of Law', *Journal of Comparative Economics*, published online.
- Dickson, P. G. M. (1967), *The Financial Revolution*

- MacLeod, H. D. (1872), *The Principles of Economic Philosophy*, 2nd edn., London: Longmans Green.
- Maddison, A. (2007), *Contours of the World Economy, 1–2030 AD: Essays in Macroeconomic History*, Oxford and New York: Oxford University Press.
- Mann, M. (1986), *The Sources of Social Power, Volume 1: A History of Power from the Beginning to A.D. 1760*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Marx, K. (1976), *Capital*, vol. 1, Harmondsworth: Pelican. Translated from the fourth German edition of 1890.
- Mathias, P. (1983), *The First Industrial Nation: An Economic History of Britain 1700–1914*, 2nd edn London and New York: Routledge.
- McCloskey, D. N. (2010), *Bourgeois Dignity: Why Economics Can't Explain the Modern World*, Chicago: University of Chicago Press.
- McCloskey, D. N. (2016), 'Max U vs. Humanomics: A Critique of Neo-Institutionalism', *Journal of Institutional Economics*, **12**(1): 1–27.
- Mitchell Innes, Alfred (1914), 'The Credit Theory of Money', *The Banking Law Journal*, **31**, 1 5 1 – 1 6 8 .
- Moore, Basil J. (1988), *Horizontalists and Verticalists: The Macroeconomics of Credit Money*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Morgan, E. Victor and W. A. Thomas (1962), *The Stock Exchange, Its History and Functions*, London: Elek Books.
- Morrill, J. (1992), 'The Sensible Revolution', in Jonathan I. Israel (ed.), *The Anglo-Dutch Moment: Essays on the Glorious Revolution and its World Impact*, Cambridge and New York: Cambridge University Press, pp. 73–104.
- Murphy, A. L. (2009), *The Origins of English Financial Markets: Investment and Speculation before the South Sea Bubble*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Murphy, A. L. (2013), 'Demanding "Credible Commitment": Public Reactions to the Failures of the Early Financial Revolution', *Economic History Review*, **66**(1): 178–197.
- Neal, L. (1990), *The Rise of Financial Capitalism: International Capital Markets in the Age of Institutional Economics*, **11**(4): 683–709.
- Hodgson, G. M. (2015c), 'What Humpty Dumpty Might Have Said About Property Rights – And the Need to Put Them Back Together Again: A Response to Critics', *Journal of Institutional Economics*, **11**(4): 731–747.
- Honore, A. M. (1961), 'Ownership', in Anthony G. Guest (ed.) *Oxford Essays in Jurisprudence*, Oxford: Oxford University Press, pp. 107–147. Reprinted in the *Journal of Institutional Economics*, **9**(2): 2013, 227–255.
- Hoppit, J. (2011), 'Compulsion, Compensation and Property Rights in Britain, 1688–1833', *Past and Present*, **210**(1): 93–128.
- Ingham, G. (2004), *The Nature of Money*, Cambridge: Polity Press.
- Ingham, G. (2008), *Capitalism*, Cambridge: Polity Press.
- Israel, J. I. (1989), *Dutch Primacy in World Trade 1585–1740*, Oxford and New York: Oxford University Press.
- Jardine, L. (2008), *Going Dutch: How England Plundered Holland's Glory*, London: Harper.
- Jones, J. R. (1992), *Liberty Secured? Britain Before and After 1688*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Keynes, J. M. (1930), *A Treatise on Money, Vol. 1: The Pure Theory of Money, Vol. 2: The Applied Theory of Money*, London: Macmillan.
- Kindleberger, C. P. (1984), *A Financial History of Western Europe*, London: George Allen and Unwin.
- King, S. and G. Timmins (2001), *Making Sense of the Industrial Revolution: English Economy and Society 1700–1850*, Manchester: Manchester University Press.
- Lawrence, W. H. (2002), *Understanding Negotiable Instruments and Payment Systems*, Newark, NJ: Matthew Bender.
- Lindert, P. H. and Williamson, J. G. (1982), 'Revising England's Social Tables, 1688–1812', *Explorations in Economic History*, **19**(4): 385–408.
- MacLeod, C. (2002), *Inventing the Industrial Revolution: The English Patent System, 1660–1800*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- MacLeod, H. D. (1858), *Elements of Political Economy*, London: Longmans Green.

- Olson, M., Jr. (2000), *Power and Prosperity: Outgrowing Communist and Capitalist Dictatorships*, New York: Basic Books.
- Olson, Mancur Jr. (1993), 'Dictatorship, Democracy, and Development', *American Political Science Review*, **87**(3): 567–576.
- Ostrom, E. (1990), *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Phillips, J. A. and C. Wetherell (1995), 'The Great Reform Act of 1832 and the Political Modernization of England', *American Historical Review*, **100**(2): 411–436.
- Pincus, S. C. A. (2009), *1688: The First Modern Revolution* (New Haven: Yale University Press).
- Pincus, S. C. A. and J. A. Robinson (2014), 'What Really Happened During the Glorious Revolution?', in Galiani Sebastian and Sened Itai (eds.), *Institutions, Property Rights, and Economic Growth: The Legacy of Douglass North*, Cambridge and New York: Cambridge University Press, pp. 192–222.
- Powell, E. T. (1915), *The Evolution of the Money Market (1385-1915): An Historical and Analytical Study of the Rise and Development of Finance as a Centralised, Co-ordinated Force*, London: Financial Press.
- Quinn, S. (2001), 'The Glorious Revolution's Effect on English Private Finance: A Microhistory 1680-1705', *Journal of Economic History*, **61**(3): 593–615.
- Roberts, C. (1977), 'The Constitutional Significance of the Financial Settlement of 1690', *The Historical Journal*, **20**(1): 59–76.
- Roseveare, H. G. (1991), *The Financial Revolution, 1660–1760*, Harlow: Longman.
- Schumpeter, J. A. (1934), *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest, and the Business Cycle*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Schumpeter, J. A. (1939), *Business Cycles: A Theoretical Statistical and Historical Analysis of* *of Reason*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Nenner, H. (ed.) (1997), *Politics and Political Imagination in Later Stuart Britain*, Rochester, NY: University of Rochester Press.
- North, D. C. (1981), *Structure and Change in Economic History*, New York: Norton.
- North, D. C. (1994), 'Economic Performance through Time', *American Economic Review*, **84**(3): 359–367.
- North, D. C., J. J. Wallis and B. R. Weingast (2009), *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*, Cambridge: Cambridge University Press.
- North, D. C. and B. R. Weingast (1989), 'Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in Seventeenth-Century England', *Journal of Economic History*, **49**(4): 803–832.
- O'Brien, P. K. (1988), 'The Political Economy of British Taxation, 1660–1815', *Economic History Review, New Series*, **41**(1): 1–32.
- O'Brien, P. K. (2006), 'Provincializing the First Industrial Revolution', Working Paper 17/06, Global Economic History Network (GEHN), London School of Economics. <http://eprints.lse.ac.uk/22474/1/wp17.pdf> (retrieved 20 February 2016.)
- O'Brien, P. K. (2011). 'The Nature and Historical Evolution of an Exceptional Fiscal State and its Possible Significance for the Precocious Commercialization and Industrialization of the British Economy from Cromwell to Nelson', *Economic History Review*, **64**(2): 408–446.
- O'Gorman, F. (1997), *The Long Eighteenth Century: British Political and Social History 1688–1832*, New York: Arnold Press.
- Ogilvie, S. and A. W. Carus (2014), 'Institutions and Economic Growth in Historical Perspective', in P. Aghion and S. Durlauf (eds.), *Handbook of Economic Growth*, vol. **2A**, Amsterdam: Elsevier, pp. 403–513.

- and Perseverance of the Dutch Economy, 1500–1815*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Ward, J. R. (1974), *The Finance of Canal Building in Eighteenth-Century England*, Oxford: Oxford University Press.
- Wennerlind, C. (2011), *Casualties of Credit: The English Financial Revolution 1620–1720*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Western, J. R. (1972), *Monarchy and Revolution: The English State in the 1680s*, London: Blandford.
- Winthrop, W. (1920), *Military Law and Precedents*, 2nd edn, Washington: Government Printing Office.
- Wray, L. R. (2012), *Modern Money Theory: A Primer on Macroeconomics for Sovereign Monetary Systems*, London and New York: Palgrave Macmillan.
- the Capitalist Process*, 2 vols., New York: McGraw-Hill.
- Schumpeter, J. A. (1954), *History of Economic Analysis*, Oxford and New York: Oxford University Press.
- Scott, J. (1991), *Algernon Sydney and the Restoration Crisis, 1677–1683*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Steiger, O. (ed.) (2008), *Property Economics: Property Rights, Creditor's Money and the Foundations of the Economy*, Marburg: Metropolis.
- Sullivan, R. J. (1989), 'England's "Age of Invention": the Acceleration of Patents and of Patentable Invention during the Industrial Revolution', *Explorations in Economic History*, 26(4): 424–452.
- Sussman, N. and Y. Yafeh (2006), 'Institutional Reforms, Financial Development and Sovereign Debt: Britain 1690–1790', *Journal of Economic History*, 66(4): 906–935.
- Temin, P. and H.-J. Voth (2005), 'Credit Rationing and Crowding Out During the Industrial Revolution: Evidence from Hoare's Bank, 1702–1862', *Explorations in Economic History*, 42: 325–348.
- Trevor-Roper, H. (1992), *Counter-Reformation to Glorious Revolution*, Chicago: University of Chicago Press.
- Turner, M. (1986), 'English Open Fields and Enclosures: Retardation or Productivity Improvements', *Journal of Economic History*, 46(3): 669–692.
- Veblen, T. B. (1904), *The Theory of Business Enterprise*, New York: Charles Scribners.
- Veblen, T. B. (1908), 'Professor Clark's Economics', *Quarterly Journal of Economics*, 22(2): 147–195.
- Veitch, J. M. (1986), 'Repudiations and Confiscations by the Medieval State', *Journal of Economic History*, 46(1): 31–36.
- de Vries, Jan and Ad van der Woude (1997), *The First Modern Economy. Success, Failure,*